

قلم‌آب ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

آرژانده روزی نشست هماهنگی ملی ایران

حینلی منگان

یک میلیارد دلار ناقابل!

بر اساس همین قاعده، یکی از ضوابط صدور حکم مجوریت در عرف قضایی احراز عدم کفایت در ضبط مال است. یعنی محکمه وقتی تشخیص داد کسی قادر به حفظ مال خود نیست آن را مستند "حجر" وی قرار می دهد و برایش قیم تعیین می کند.

در قضیه گروگان گیری اعضای سفارت آمریکا هرگاه کسانی که بعنوان نماینده مردم برگزیده می شوند با صلاحیت سلامتی نداشته باشند از حداقل وجدان بهره نداشتند میبایستی آیت الله خمینی را مجبوراً اعلام میکردند. ولی آن ها بجای آنکه با صدور چنین حکمی لایق خودشان را از اتهام مشارکت در یک همجوخیا نستی مبرا سازند و بگویند عملی از یک دیوانه سرزد و حرجی بردیوانه نیست، بقرارداد ننگین الجزا بر صحنه گذارند و خمینی را تشویق کردند که با گروگان گرفتن فرانسوی ها در بیروت مرتکب جنونی دیگر شود و با زبدها از یک سال و چند ماه گروگان ها را آزاد کند در حالی که این دیوانه با زی همه ننددیوانه بازی قبلی جز ضرر مالی و حیثیتی برای ایران چیزی عاید نکرد.

بقیه در صفحه ۱۲

تروریست‌ها

و بمب‌های اتمی!

بر اساس گزارشی که از سوی گسروه بین‌المللی تحقیقات اتمی انتشار یافت، خطر استفاده از سلاح‌های اتمی در اعمال تروریستی یا در حمله به تاسیسات اتمی، بیش از پیش اهمیت می یابد. طبق این گزارش، چندانکه مل‌آساسی، خطر تروریسم اتمی را تشدید می کند گداز آن جمله است پشتیبانی برخی دولت‌ها از تروریسم و تعداد درو به افزایش مراکز اتمی و تحقیقات اتمی، و نیز قرارگرفتن مبنی بر وجود سلاح‌های دست‌ساز اتمی در بازاسیاه.

این گزارش که زیر نظر رئیس پیشین سازمان سیا تنظیم شده است، نتیجه می گیرد که تروریست‌ها از طریق‌های مختلف می توانند سلاح‌های اتمی را به دست آورند.

به گفته‌ی کارشناسان، جدی‌ترین خطر، ربودن یک سلاح اتمی و انفجار آن در یک منطقه پرجمعیت است. به علاوه تروریست‌ها می توانند در یک مرکز اتمی خرابکاری یا تهدید به خرابکاری کنند. این گروه تحقیق، سپس راه‌های جلوگیری از خطرات احتمالی استفاده از سلاح‌های اتمی را در عملیات تروریستی در گزارش خود پیشنهاد می کند. یکی از این راه‌ها تجهیز سلاح‌های اتمی به سیستم‌های الکترونیک جلوگیری از استفاده از آن‌ها توسط افراد غیراست. این گزارش همچنین پیشنهاد می کند که مراکز اتمی غیرنظامی نیز مثل مراکز اتمی نظامی، خود را به تدابیر امنیتی مجهز کنند.

هادی بزاز

در حاشیه انتخابات اسپانیا

ملت اسپانیا در این کوتاه زمان با چه اندوخته و مایه‌ای توانست، آختناقی چنان سنگین و درمرا حلی آمیخته به موحش‌ترین اشکال سرکوب و قتل عام و عذاب را فارغ از هرگونه خشونت و خونریزی و تلاش پشت سر بگذارد و به ایجاد نظم موفقی شود که اگر در مقام قیاس بر دیگر دمکراسی‌های غرب و حتی جاندارترین و کهن‌ترین آنها پهلونمی زند، از هیچ کدام کاستی ندارد؟ طبیعی است که پاسخ‌ها نیز، در ارتباط با معتقدات و سخنان ذهنی و حتمی عادات و سلوک و مواضع آدم‌ها گوناگون است.

بقیه در صفحه ۲

مذاکرات ناموفق

روزیکشنبه ۲۹ ژوئن در وزارت امور خارجه فرانسه خاطر نشان شد که مذاکرات دریا بخت دنبال خواهد شد، اما به تاریخ و محل ملاقات اتمی هیأت‌های نمایندگی دو کشور اشاره‌ی نشد.

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۹ ژوئن ۸۶، اعلام کرد که هیأتی نوآب، معاون وزارت دارایی و رئیس هیأت نمایندگان جمهوری اسلامی، روز شنبه ۲۸ ژوئن ۸۶ با بیتخت فرانسه را ترک گفته است و اضافه کرد که مذاکرات دیگری به منظور حل اختلاف مالی میان دو کشور پیش‌بینی شده است.

خبرگزاری فرانسه با داوری می کند که اعضای هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی، در تاریخ چهارشنبه ۲۵ ژوئن وارد پاریس شدند و روزهای پنجشنبه ۲۶ و جمعه ۲۷، گفتگوهای طولانی با هیأتی با فرانسوی خود به سرآرای حل اختلاف بر سر حدود یک میلیارد و پانصد میلیون دلار وام و بهره‌ی وام رژیم پیشین ایران به فرانسه، انجام دادند. در این گفت‌وگوها، موضوع پرداخت غرامت به فرانسه بسا بت قرار دادهایی که جمهوری اسلامی پس از انقلاب به طوریک جانبه‌لنو کرد نیز مطرح شد.

حوادث در ذهن آدمیزاد، به اعتبار تنوع آرزوها و تقاضاها و طبعاً "دیدها و برداشتها، نقش‌های متفاوتی بخود می گیرند و با زتاب‌های گوناگونی پیدا می کنند. بعنوان مثال در این حدود با زده‌سالی که از مرگ فرانکو (دیکتاتور اسپانیا) و سقوط فرانکیسم در اسپین کشور می گذرد - هر بار با رسیدن موسم انتخابات و برای نمونه انتخابات اخیر (۲۲ ژوئن) - برای آن مردمی که همچنان با حسرت نفسی در فضایی آزاد تقلا کرده و نالیده و ناکام مانده‌اند، خواه ناخواه این سؤال مطرح شده است که:

خبرگزاری فرانسه گزارش داد که هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی، دست‌خالی، پاریس را به قصد تهران ترک گفت. خبرگزاری فرانسه در گزارشی از پاریس زیر عنوان "پایان دور دوم مذاکرات پاریس - تهران"، می نویسد: "دیروز در پی بازگشت هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی به تهران گزارش رسیده که دور دوم مذاکرات فرانسه و جمهوری اسلامی برای حل و فصل اختلاف مالی میان دو کشور شنبه گذشته به پایان رسید و از قرار معلوم، هیچ توافق میان طرفین حاصل نشد."

۷۳ مورد قصاص

یک زن ایرانی به نام مریم زواره‌ی که شوهرش دو چشم وی را کور کرده بود بر اساس حکم دادگاه شرع، اجسازه یافت به عنوان قصاص، دو چشم همسرش را کور کند. اما وی تنها به کور کردن یک چشم شوهرش اکتفا کرد.

مقامات جمهوری اسلامی همچنین فاش کردند که تا بحال چندین مورد حکم قطع عضو و سنگسار در مورد دزدان و زناکاران اجرا شده است.

انتشار این گزارش‌ها، کسانی را که فکرمی کردند گذشت زمان، انقلاب اسلامی را نرم تر و ملایم تر خواهد کرد تا امید ساخت.

بقیه در صفحه ۱۰

چهره غم‌آلود

قذافی

در صفحه ۵

فرزاد جوادی

اجلاس اولت:

اختلاف نظر و آشتی

روز چهارشنبه گذشته، ۲۴ ژوئن، وزرای سیزده کشور عضو و یک برای تشکیل هفتاد و هشتمین مجمع عمومی عادی خود در جزیره بریونی در شمال یوگسلاوی که سابقاً "محل اقامت تابستانی پوزیدینت تیتو بوده است، گرد هم آمدند (این اجلاس تا زمان زیر چاپ رفتن این هفته‌نامه همچنان ادامه داشته است).

کارشناسان نفتی غرب بسیار بی‌علاقه می دانند که مذاکرات اوپک این بار نیز به نتیجه‌ای قاطع بینجامد. به نوشته فرانسوا وی، گزارشگر خبرگزاری فرانسه، برخی از ناظران از پیش‌حتمی شرط بندی کرده‌اند که اجلاس بریونی نهایتاً "با انتشار بیانه‌ای در توجیه توافق صوری و ظاهری پایان خواهد پذیرفت و پیگیری اوضاع و احوال مذاکرات به یک اجلاس اضطراری دیگر دریا شیز آینه موکول خواهد شد.

بقیه در صفحه ۴

رسانه‌های گروهی هلند:

سخن شاپور بختیار

بر دل می نشیند

در صفحه ۴

یاد آوری و سپاس‌گزاری

استقبال وسیعی که از تقاضای ما در تبریک‌نامه فورم تازه اشتراک بعمل آمد موجب خوشنودی و سزافرازی ماست. همانطور که قبلاً با اطلاع رساندیم، از این شماره، نشریه تنها برای خوانندگان که فورم را ارسال داشته‌اند، یا منبعا رسال دارند فرستاده می شود. عده‌ای از خوانندگان گرامی ما، که امکانات مالی شان اجازه می‌ساده است، به نهدای ما، برای تأمین حق اشتراک کسانی که علاقه مند ولی در مضیقه مالی هستند، پاسخ مثبت داده و مبالغی علاوه بر وجه اشتراک خود فرستاده‌اند. از این باب از آنها صمیمانه سپاس‌گزاری میکنیم.

(ضمناً لازم به تذکر است که بعضی از خوانندگان ما، نامه خود را بجای ارسال به نشانی نشریه، به آدرس بانکی یا حسابی ما فرستاده‌اند که صحیح نیست و احتمالاً موجب تأخیر یا احوال عدم وصول میگردد.)

در حاشیه انتخابات اسپانیا

بقیه از صفحه ۱

گروهی به دلایلی که چندان هم پوشیده نیست، سعی دارند، خمیرمایه‌ی آن چه را که در اسپانیا پس از فرانکو رخ داده و این کشور را در صف ممالک معتبر و با منزلت جهان آزا دنا نشان داده است منحصر "از کارنامه‌ی چهل ساله دیکتا تورا استخراج کنند و غالباً هم با این تبلیغ و توصیه که ملت اسپانیا، در شکر نعمت امروز با پدمنت گوزار " پیشوای " دیروز خود باشد که اگر پای او چراغ " عنایت و ارشاد " او در کار نبوده، این منزلت و اعتبار رنیز حتی کورسوی نداشت.

اینگونه برداشت‌ها که طبعاً "در گروه مشخص و " ممتازی "، همه جا و بخصوص در جامعه‌ی ما، پیروان و مبلغان پروپا قرصی داشته است (و شگفتنا در پی این تجربه‌های مکرر) هنوز هم دارد. اگر ریشه در مواضع و امتیازات قسردی نبسته باشد، مسلماً " ناشی از کمبود اطلاعات تاریخی است.

براستی چگونه می‌توان تقای خونیار و فرا موش ناشدنی و پان ناپیدرملتی را در این تحول عمیق اجتماع عسی فرو گذاشت و تمای می‌علت‌ها را به گردش اراده‌ای بست که سالها و سال‌ها به حفظ نفس‌ها تعلق گرفته است؟

تب و تاب ملت اسپانیا، بیخاطر جلوه‌گیری از خیزش فاشیسم خاصه به دنبال مسرک ژنرال " سان ژورویو " و کودتای فرانکو و تگانه وقوع جنگ‌های داخلی (۱۹۳۶ - ۳۹) که بر اساس آمارها با یک میلیون کشته - پانصد هزار تبعیدی و سیمده هزار زندانی و اعدام‌های گاه هزاره‌زار (هر بار)، خود شاه سدی گویا بروست مقامت ملی بوده است و علاوه بر این، انبوه‌آمارهایی که به گواهی آن وجود تلاش‌های گسترده‌ی سیاسی و اجتماعی و نیز وجود احزاب نیرومندان آن سالهای طوفانی و پیش از آن سالها بازمانده است هر کدام حکایت از این واقعیت دارد که ملت اسپانیا بنیای زندگی امروز خود را در خلا و بیابنا بر فرمایش و وصیت پیشوا شالوده نریخت، بکس آنچه بدست آورد و روز بروز قوام بخشید پشت به سابقه‌ای دارد، آکنده از تقلاب و ایثارها.

این ملت دمکراسی را در " مکتب استاد " و آن هم استادی که هرگز میانسی نباشد، خوشی با این قماش تقاضا نداشت، نیا موخت بر تمنای خود چنان ایستاد که سرانجام عنصری چون فرانکو نتوانست از آن نادیده بگذرد. ولی وقتی تحلیلی خالی از غرض در میان است، دیگر نمی‌توان از نقش فرانکو در تحولات ۶۰ سال اخیر اسپانیا چشم پوشید و گذشت، که حضور او مخصوصاً " در زمینه‌های مرتبط با توسعه اقتصادی و قرا را اسپانیا در مرتبه‌ی ده کشور توسعه یافته‌ی جهان و نیز اشر مواضع او در مرحله‌ی انتقال به دمکراسی بی آنکه عامل منحصر و علت علت‌ها تلقی شود، مسلماً " قابل توجه و محاسبه است.

در این جایی مناسبت نیست، توجه آن جماعتی که ما یلند با آنکه به نقش فرانکو، اعتباری برای کل نظام‌های دیکتاتوری برآشند - به نکته‌ی ظریفی جلب شود که تفاوت کیفی میان میراث فرانکو و میراث قریب بسا تفاسق دیکتا تورها بویژه در جهان سوم به پای ایست که مقایسه را تا پذیرش یک استثناء " در حق وی پیش می‌برد.

با این همه محققاً " تاریخ، با معیارهای انسانی و خاصه ضوابط قرن بیستمی فرانکو را در حلقه‌ی برگزیدگان و اصحاب خیر نشانده است.

یادگارهای رعشه‌انگیز از دوره‌ی پانگویی فرانکیسم و آن حمام‌های خونی که برپا شد - قتل عام‌ها و اعدام‌های گروهی که گاه در یک روز به هزاران میرسید، قساوت‌های رعشه‌انگیزی که از گروه‌های فالانژ ظاهر شد و خلاصه وقایع هولناکی که موبمورد رفتسر حوادث آن سالها ثبت شده است، کارنامه‌ای نه قابل دفاع و حتی (در قبال خدماتی هم‌انجام داد) - نه اصل چشم پوشی و فرا موشی بلکه به محکوم کننده بدست می‌دهد.

ولی حالا که سخن از قیاس در دنیای دیکتا تورها است نباید از یاد برد که فرانکو - دیکتا توری را هرگز و هرگز پلی برای غارت ملت خود نساخت.

اگر هم صفتان او اینجا و آنجا، تیغ و قدرت را، به ابزار دوشیدن ملت‌ها تبدیل کردند و در جمع مال و دستیابی به ملک و آب و پرکردن بانک‌های درونی و بیرونی و سرمایه‌گذاری‌های نجومی در این سو و آن سوی دنیا، هیچ مرزی را ناپیموده رها نساختند، واقعیت این است که فرانکو تالبگور، میراثی از این قماش از خود بجای نگذاشت و وقتی که مرد ثروت و همان قدرت بی رقیب او بود که در کناره‌هایش بخاک سپرده شد. مقایسه میان سوموزاها و ما رکوس‌های مانده و فرانکوئی رفته این واقعیت را عریان تر جلوه می‌دهد. می‌توان تصور کرد که دیکتا تورا اسپانیا راه خود را بر طبق معیارهای خاص خود، صمیمانه راه سعادت کشورش می‌دانست و بر آنچه انجام میداد، ایمان داشت (که نا گفته نماند این نیز اگر چه انگیزه‌ی قیاس‌ها است ولی دلیل بر اثبات نیست).

مسلماً " فرانکو عظمت اسپانیا را هدف ساخته بود ولی مشکلی این بود که در این قرن بیداری‌ها " عظمت " را ولو خالی از غرض و بی‌خواهی با مفهوم عصر قیصرها و تزارها اندازه‌گیری گرفت - نظامی سرخت و منضبطی بود که " اطاعت محض " را بیش از حق آدمیزاد هم کرده و این برداشت را به حیطةی حاکمیت و فرمانروائی برملتی نیز تسری داده بود.

فرانکو از بخت بد، در حال وهوای ظهور پترکبیر ظاهر شد، و گرنه در حد خود، درسک نام آوران و احتمالاً " نوآرانی مانند او مقامی داشت. او در عصری " عظمت " را محصول سیادت و قسدرت تشخیص داد که نه فقط ملت او فرهنگ آزادی را جذب کرده بود، بلکه دهها سال پیش از آن ملت همسایه‌اش عنصری چون ناپلئون را نیز برینتا بیده بود.

بهر حال همین پرهیز از چشوداشت‌های مالی و ولع زراندوزی و مخصوصاً " طوار استثنائی و وصیت او در پایان عمر به کشودن درها بود که در جمع عسلائم منفی، خط مثبتی نیز بجای گذاشت. و دست کم به قیاسی میان او و " مسلمانان " او فرصت داد.

در همین اندازه و نه بیش از آن می‌توان

به اثر خلق و خوی آدم‌ها، بخصوص در جرگه‌ی زما مداران قیمت داد. مسلماً "، فرا فراتر از سو استفاده و امتناع از تبدیل قدرت به ابزار ثروت که خواه نا خواه از برآمدن چا پلوسان بجای کارآمدان مانع میشد، خودیکی از عللی بود که اقتضای اسپانیا را رفته رفته از مراحل مرگ به مراحل سرزندگی کشید و بهر تقدیر فرانکو وقتی برای ابد چشم‌ها را بست، گروهی بودند، که از یاد و یادگار او درنگ کردند.

حالا که روایت از محدودی اثر آدم‌ها مطرح است، حیف است از میراث‌داران او که ارشیدی خود را با هوشمنسندی به راستای طلب ملت اسپانیا چرخانده است بیادی نرود.

خوان کارلوس نیز پادشاه مشروطه‌ی اسپانیا به یمن بیسرداری و درک اقتضای زمان و کشش ملت اسپانیا، به سر حرمت و آبرو و محبوبیتی دست یافت که فراتر از همه‌ی گسایش‌های عقیدتی، عملاً " او را به مظهری از پیوند ملی تبدیل کرده است، و در آن درجه که جاده‌های پیچ در پیچ و متقاطع مسلکی وقتی به مقام معنوی اومی رسند خواه نا خواه برهم منطبق میشوند. چرا که او نشان داده است در پاسداری از دمکراسی و حقوق ملی پابرجا است و اگر قزاق گردنکش و قلندری هم یک روز فیلس به یاد هندوستان و به بهانه‌ی " احیاء جلال و مقام او " مجلس ملت را قسرق می‌کند و هفت تیرمی کشد و جا هل بازی برآورد - آنرا از اول زبانی که به محکومیت و تقبیح اوباز می‌شود، زبان اوست به آن نشان که بر مالک حقیق ملی ایمان دارد و نیز می‌داند که نه عزت‌صوری و موسوی - بلکه حرمت واقعی را از کجا باید خرید.

حوادث اسپانیا - با آن فرازونشیب‌ها درس‌های گرانبهایی با خود کشیده‌اند که در خفا ترین آن‌ها همین است که: زوال دیکتا توری‌ها، دیر و زود خواهد داشت ولی سوخت و سوزنخواهد داشت. دیکتا توری چون فرانکو نیز که با پرهیز از زدنگی و بی‌خواهی یک پل به بالاتر از تمام هم‌کسوتان خود نشسته بود، از تحمل روزگار بیرون بود. فضیلت او را به " عطای " او نباید بست (که در این زمینه‌ها ده‌میش بی معنا است جبرزدنگی حاکم است) در بیداری او و کم‌ظمنی او باید جست که راه انتقال به حاکمیت مردم را بخون نباید آلود و به میراث‌دار خود موخت که بیش از این، نمی‌توان به جریان مخالف آفتاب دل بست و میراث‌دار، این واقعیت اجتناب ناپذیر را هوشمندانه گرفت و بکار بست.

آن‌ها که ما یلند، در یک نمونه‌ی آکنده از استثناء‌ها، اعتباری بسر دیکتا توری دست و پا کنند، بهتر آنست که هرچکایتی را تا پایان بخوانند و هم کنند.

روزنامه رسالت:

نوید مرگ

دولت سالاری

سخنان خمینی در روز عید فطر، با ردیگر در هفته گذشته اختلاف‌های شدید گروه‌های درون رژیم را برملا کرد. جناح‌های رقیب دولت موسوی که تنها بر سر قدرت بسان درستیزند از سخنان خمینی که گفته بود مردم را در امور مشارکت دهید، استفاده کردند و سیاست‌های دولت میرحسین موسوی را مورد حمله قرار دادند.

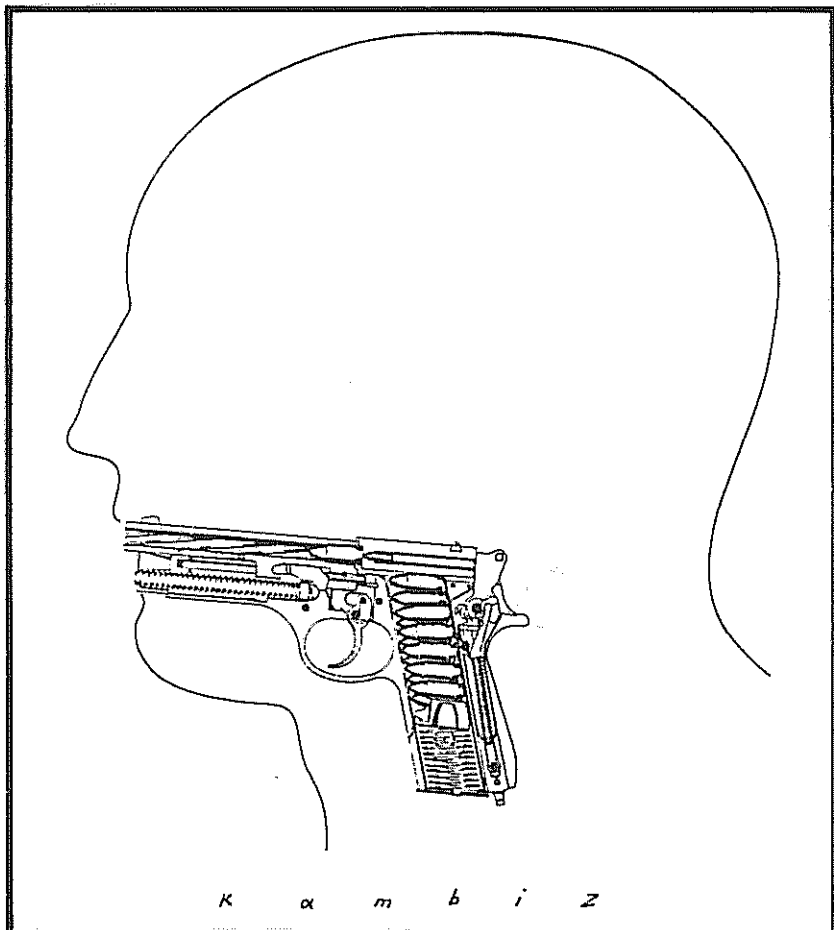
علی‌موجدی ساوچی نماینده طرفدار دولت در مجلس شورای آخوندی در جلسه یکشنبه، تفسیرهای جناح رقیب را از سخنان خمینی رد کرد و گفت: بیشترین بحث و تفسیر را عبارت " مشارکت مردم و نظارت دولت " به دنبال داشته است. وی گفت: سخن امام را که در واقع روشن است خواهی‌تانه جزو متشا بهات و از سخنانی که دو جوسه است و دارای معانی مختلف است، منعکس کنند تا با ابیاحات و ذکر وجوه و احتمالات گوناگون با لایحه آن متناهی را که بیشتر موافق طبع خودشان است و با دیدگان خودشان سازگار است، از میان معانی بیرون بکشند. وی در ادامه سخنان خود افزود: این بدان خاطر است که عده‌ای با واقعاً " از سخنان دان و یک عده‌ای هم‌کار " عالم " عا مد " بسا سخنان و دیدگاه‌های امام خطوطی را که امام ترسیم می‌کنند دارند بسان بازی می‌کنند.

اشاره موجدی ساوچی به جناح‌های رقیب دولت موسوی است که با استناد به سخنان خمینی را بر سر مشارکت مردم ابیاحات مداری خصوصی، با سیاست‌های انحصاری دولت به ویژه در بخش اقتصادی موافق نیستند.

آخوندی ما می‌کاشانی نیز در نماز جمعه ۲۵ خرداد در دانشگاه تهران با اشاره به اینکه دولت به تنهایی قادر نیست امور را بگرداند. زمزمه‌ها و تالیعه‌های لغو تحصیل را یگان و سرمایه‌گذاری بخش‌های وابسته به رژیم اسلامی را در ایجاد مدارس خصوصی مورد تأکید قرار داد و آن را یک مورد فقهی خواند و با اشاره به سخنان خمینی گفت: معنای سخنان امام اینست که عده‌ای که پول دارند و می‌خواهند مدرسه‌های تاسیس کنند بیایند و دولت هم کنترل و نظارت کند که مسیر غلط نروند و عده‌ای اگر بخوانند دانشگاه درست کنند دولت هم آن سیاست را که متضمن مصالحا معمه است اعمال کند. منای این هم کتاب سنت است و در کتب فقهی ما تعلیم و تعلم واجب کفائی است. آخوندی اما می‌کاشانی اصل تحصیل را یگان در قانون اساسی را که خبرگان امام خمینی تصویب کرده‌اند، تلویحاً رد کرد و افزود: تنها دولت نیست، همه موظفند ولو اینکه قانون اساسی می‌گوید تحصیل را یگان باید باشد، ولی در فقه اسلام است که اگر در کشور اسلامی مردم دیدند بچه‌ها مانده‌اند و دولت نمی‌تواند مکانات آموزش را فراهم کند واجب کفائی است بیایند این بار را بردارند.

در این میان و بدنبال کشمکش‌های جناح‌های رقیب به نوشته روزنامه، کیهان چاپ تهران، ۷ نماینده مجلس شورای اسلامی خواستار جلوگیری از مطالب اختلاف‌انگیز در روزنامه رسالت که به باندی از وزرا و دست‌اندرکاران سابق رژیم اسلامی تعلق دارد شدند.

هادی غفاری نیز که وابسته به جناح موسوی است، در سخنانی در جلسه اول تیرماه با اشاره به مطالب روزنامه " جناح رقیب، گفت: آنجا آمریکا بدست زکی میانی بدبخت توطئه می‌کند و توی سرنفت ما می‌زند تا ما را فلج کند و ما در اینجا در زیر چتر آبه‌ها و در روزنامه‌ها ما نیتیرمی رژیم بکا همس تولید نرفت، یا نوید مرگ دولت سالاری.



K α m b i z

گزارش‌های ایران

خودمختاری مدیرکل

آموزش و پرورش یزد!

محمود اسلامی مدیرکل آموزش و پرورش یزد است. او همه مدارس اسلامی خصوصی را تعطیل کرده است. یک هیأت تدبیر با زبیرسی به یزد رفت و گزارش داد که محمود اسلامی باید برکنار شود، اما این مدیر کل همچنان در یزد است و می گوید: "اگر رزمندگان فاو را پس دادند من هم مدارس بسته شده را بازمی کنم!"

شد مدت دوازده روز با به گروش دادن شکایت مردم از مدیرکل بگذرانند. گزارشی که این هیأت با زبیرسی فرا هم کرد، مطلقاً به سود آقای اسلامی نبود. هیأت در گزارش توصیه می کرد که آقای محمود اسلامی از سمت خود برود و دست کم به استان دیگری فرستاده شود. آقای اسلامی البته وقتی به این گزارش ننهاد و بپوشید دهن کجی به یکی دو تا از مدرسه‌هایی که موقعیتی مشابه با مدارس چیت چیان و مدارس داشتند، تعدادی رزمنده فرستاد و آنجا راه اشغال خود در آورد. به نظر می رسد که مدیرکل‌های تهرانی وزارت آموزش و پرورش این ابتکار را در اشغال مدارس از آقای اسلامی آموخته باشند! حتی آقای اسلامی اعلام کرد که گزارشی که با زبیرسی را قبول نداد و خودش را موظف به مقابله و مقامت می بیند! عین سخنان آقای اسلامی که در جمع‌های اسلامی روز دوشنبه ۱۲ خرداد آمده چنین است: "چون در این مقطع زمانی کنا رفتن را به ضرر انقلاب و جمهوری اسلامی می دانستیم و چنانچه کنا می کشیدیم موجب تضعیف همه جبهه‌های خوب استان می شد. مقامت کرده و ایستادم." آقای اسلامی حتی خطاب به هیأت با زبیرسی از قول بچه‌های خوب رزمنده‌هایی که مدرسه زرگران را اشغال کرده‌اند می گوید: "اگر ما فاو را پس دادیم مدرسه را هم پس خواهیم داد."

باری، به چنین موقعیتی جهرج و مرج نمی توان نهاد. مدیرکل خودسرانه عمل می کند، گزارش هیأت با زبیرسی را کسی قبول ندارد، و زبیرسی بی دست و پا تر از آن است که بتواند اعمال قدرت کند، برای نماینده‌های مجلس کسی ترخه‌زنی نمی کند. گذشته از درگیری‌های داخلی، دوندگی مهم از صحبت‌های آقای اسلامی، مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد، دستگیر می شود، اول اینکه، استان یزد حدود ۵۰۰۰۰۰ دا و طلب به جبهه فرستاده. دوم اینکه، از این ۵۰۰۰۰ نفر، ۱۰۰۰۰ نفرشان دانش آموزان خردسال بوده‌اند. اکنون به نظر می رسد که پس از سخنان خمینی در تائید نظرات جناح مخالف در زمینه مدارس خصوصی یا بدمنظر بود که این کشمکش‌ها به سود محافظه کاران و سخنگوی آنان، آذری قمی، خاتمه یابد. حتی هاشمی رفسنجانی به کسی نمی که مخالف چنین برداشتی هستند گوشزد کرده که جای خود را به کسی ندهند. بسیاری رند که موافق به توصیه‌های خمینی هستند. به این ترتیب، مسأله‌های مدارس خصوصی که یکی از اساسی ترین منازعه‌های درون حکومتی رژیم در پشت آن می گذشت، زمینه‌های یکی از عمیق ترین تحولات در حدود اختیار دولت خواهد شد.

سخنان آیت الله خمینی در مراسم عید فطرا با بدختم‌نا زعه‌ای طولانی بسه حساب آورد که بین دو جناح زهی‌ها ت حاکمه‌ی رژیم به شدت تما جریا ن داشت. اگرچه منا زعه‌ی اصلی ظاهراً "برسر دو مدرسه‌ی خصوصی چیت چیان و مدرس می گذشت، اما تقریباً "درسراسر حوزه‌های آموزش و پرورش این نزاع را میتوان دید. نیروهای چپ رو و معتقد به دولت‌گرا کردن همی امور که پشت شعارهای حمایت از مستضعفان پنهان شده بودند و حتی خود را حزب الهی‌های سلاز می نامیدند به قلم می دادند که منحصر فرامین "امام" را اجرا می کنند، به شدت در برابر جریانی خزنده و قوی که از سوی روحانیون با نفوذ بسیاری حمایت می شد ایستاده بودند. مشاغل مهم اجرائی، نظیر معاونت و مدیرکلی، که غالباً اهرم‌های اصلی راه به دست دارند، در خطر قرار داشت. هرگونه کوتاهی از سوی این عناصر باعث باخت احتمالی "احتمالاً" برای همیشه، میگشت. مشاغل که با پشت هم نذازی روی کاری و اعمال بدترین خنونت‌ها به دست آمده بود، طبعاً دشمنان فراوانی را هم در هم گشود و کنا رها برای آنان ساخته بود. با این همه تحول چند ماهی اخیر که در سطح اقتصاد صورت گرفت به سود این عناصر نبود. دولت دیگر در موقعیتی نبود که بتواند هزینه‌های کلان را تحمل کند. حتی طرح اکرمی، و زبیرسی آموزش و پرورش برای استفاده از پول‌های سهم ما، نمی توانست گره‌گشای کار باشد. آیت الله خمینی هم در یافته بود که زمان به سود جناح مخالف میگردد که طرفداران داخلی دولت در امور و مکان بیشتر دادن به اقتصاد آزاد است. طی سه ماهه‌ی اخیر کشمکش‌های دو جناح در بحرانی ترین حالت خود بود.

آنچه در آموزش و پرورش یزد گذشت نمونه‌ای روشن و قابل تممیم به سایر بخش‌های کشور است. اعمال آقای محمود اسلامی، مدیرکل آموزش و پرورش استان یزد، به محض آنکه به این سمت منصوب شد، چنان تندوخش و بیرحمانه بود که عملاً آموزش و پرورش یزد را از کار انداخت. فضای آموزشی استان به بیش از آنکه فضای آرام و قابل استفاده برای دانش آموزان باشد، به صحنه‌های پر کشمکش میان مملنان و شاگردان تبدیل شد. کار چنان بالا گرفت که شکایت‌های بسیاری از نحوه‌ی اداره‌ی آقای اسلامی به مقامات مسئول فرستاده شد و حتی برخی از این شکایت‌ها در مجلس شورای اسلامی نیز مطرح گشت. برای رسیدگی به قضیه، هیأتی از سوی با زبیرسی کل کشور به یزد فرستاده شد و کار چنان وسیع بود که هیأت مجبور

داشت و علت آن هم، تغییر سیاست فرانسه در قبال جمهوری اسلامی بوده است.

جواد لاریجانی افزود: جمهوری اسلامی می تواند حتی در مورد آزادی گروهانهای انگلیسی در لبنان همین نقش را بر عهده گیرد به شرط آن که دولت انگلستان نیز سیاست خود را در مقابل جمهوری اسلامی تغییر دهد. معاون وزارت امور خارجه اسلامی اضافه کرد: آزادی گروهانها از آنجا میسر شد که ما با بعضی از گروهان‌های لبنان که نقش جمهوری اسلامی را در سیاست منطقه‌ای و جهانی درک می کنند ارتباط ایدئولوژیک داریم و آن‌ها را از ما پیروی می کنند. لاریجانی در عین حال گفت: البته این بدان معنی نیست که این گروه‌ها از ما پیروی کورکورانه دارند

افسانه صادرات غیر نفتی

کمیود درآمد ارزی، جمهوری اسلامی را به فکر صدور انواع کالا انداخته است. نتیجه‌ای که طی سال ۱۳۶۴ عاید شده است ۳۵۰ میلیون دلار بوده است و این در حالی است که در همان سال ۱۳۶۴ حکومت ملایان ۷ میلیارد دلار کسردرآمد ارزی داشته است.

صادرات پیش از انقلاب نیز دست نیافته است. در سال‌های پیش از انقلاب، عایدات کشور از محل صادرات غیرنفتی به میزان ۳ درصد کل درآمد ارزی بود، و این رقم در سال‌های پس از انقلاب به ۴/۴ درصد کاهش یافته است. از آن گذشته صادرات گاز که در عالی‌ترین حد خود، در سال ۱۳۵۷، رقمی معادل ۲۴۷ میلیون دلار ارزش حاصل می کرد اکنون تنها ۱۰۰ میلیون دلار ارزش دارد. حتی کشور که زمانی موفق شده بود در زمینه‌ی دارنه‌های روغنی به مرز خود کفائی برسد، به علت صدماتی که به کشت و زری وارد آمده، اکنون روغن نباتی یکی از اقلام وارداتی آنسرا تشکیل می دهد. مهندس خاموشی در زمینه‌ی کالاهای صنعتی حرف آخر را زده است. او میگوید: "ما باید راهی با زارهای چیت چیتی بشویم و ساخته‌های خود را عرضه کنیم. اگر توانستیم که بفروشیم مواد اولیه جهت تولید بعدی بخریم و اگر نتوانستیم که فنی می شویم." مطابق آمارهای موجود، در سال ۱۳۵۹، درآمدات غیر نفتی، ۲۳ درصد درآمدات کشور بوده و اروپای غربی بوده. در سال ۱۳۶۲ این رقم به ۴۴ درصد کاهش یافته و ۱۸ درصد به اروپای شرقی و ۳۸ درصد به کشورهای دیگر رفته است. حتی قراردادهای تها تری هم چیزی در حدود و ورق پیاره ارزش داشته است. حال آنکه می‌بایست بر اساس این نوع قرارداد، به اندازه‌ی واردات صادرات هم داشته باشیم. مثلاً در سال ۱۳۵۹ سهمیه‌ی تعیین شده برای روسیه شوری ۱۲۰ میلیون دلار بوده، حال آنکه صادرات واقعی غیرنفتی به آن کشور در همان سال ۷۹/۵ میلیون دلار بوده، در مقابل ۸۱۷ میلیون دلار ارزشوری واردات داشته ایم.

گزارش مرکز توسعه صادرات ایران وقتی با قیاس با قیاس ابتدائی اقتصاد ایران سنجیده شود، نشان می دهد که افزایش صادرات غیرنفتی نه تنها مشکلات اقتصاد دی کشور را حل نخواهد کرد، بلکه به هرج و مرج موجود در اقتصاد کشور خواهد افزود و با عث گران‌تری کالاها در داخل کشور خواهد گشت. تنها امتیاز آن اینست که مقامات رژیم خوراک تبلیغات خود را در اختیار خود برای فریب مردم دم زقط و وابستگی اقتصادی بزنند، بی آنکه گفته‌هایشان دره‌ی با حقیقت مطابقت داشته باشد.

مرکز توسعه صادرات ایران، ضمن انتشار آخرین بررسی مربوط به فعالیت‌های صادراتی کشور در سال ۱۳۶۴ گزارش می دهد که به دنبال سرانجامی دولت در زمینه‌ی کاهش قیمت نفت، با اقداماتی که صورت گرفته، روند نزولی صادرات غیرنفتی متوقف شده و ایران در سال ۶۴ نسبت به سال ما قبل ۹۵ درصد رشد صادراتی از حیث وزن کالاها و ۲۵ درصد رشد از حیث صدور کالاها داشته است. به رغم این افزایش، چیزی بیشتر از ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار ارزش از محل صادرات غیرنفتی نصیب کشور نمی شود. حال آنکه ارزش درآمد ارزی ایران از محل صدور نفت تقریباً به یک سوم رسیده است. یعنی چیزی در حدود ۶/۵ میلیارد دلار برآورد میشود.

حتی خود گزارش نیز ضمن تحلیل وضعیت صادراتی ایران از چگونگی روند افزایش نا متناسب وزن و ارزش کالاها یاد میکند و نتیجه می گیرد که در این میان سهم کالاهای کشاورزی ۵۳/۵ درصد از کل صادرات بوده و حال آنکه سهم کالاهای صنعتی ۹ درصد و سهم فرش و صنایع دستی که از حیث ارزش صادرات در خور توجه هستند فقط ۲۵/۵ درصد بوده است. در این میان برخی از محاسبات نیز درست از آب در نیامده. مثلاً به علت کاهش ارزش جهانی کلوخه‌های معدنی، به اینک ۶۴ درصد افزایش صادرات داشته‌ایم اما درآمد‌های ایران از این محل ۶ درصد هم کاهش داشته و در نهایت ارزش صادرات کالاهای معدنی ایران را با ۹ درصد ارزش مواج ساخته است. گزارش همچنین کاهش برخی از اقلام مهم صادرات صنعتی را گران قیمت تمام شده بین محصولات، نارسائی‌های تولید، با شین بودن کیفیت و در مواردی دشواری تهیه مواد اولیه میبرد. به رغم تمام این فعالیت‌هایی که دولت برای تاءمین ارز از راه صادرات کالاهای غیرنفتی به خرج می دهد، مهندس خاموشی در جریان چهاردهمین جلسه‌ی اتاق‌های بازرگانی که در اردیبهشت ماه گذشته در کمرمان برگزار شد، افزایش صادرات غیرنفتی را در سال جاری در حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد پیش بینی کرد. با این حساب حدود ۶۰۰ میلیون دلار ایران از صادرات غیرنفتی عایدات خواهد داشت. اما وقتی این رقم را در کنار ارقام واردات مخفی (که به عنوان واردات پتشی خوانده می شود) مقایسه کنیم متوجه می شویم که کوشش برای افزایش صادرات غیرنفتی تا چه مذبحانه و صرفاً برای پر کردن جیب تاجران است. مهندس خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی، می گوید: "آمارهای وزارت برنامم بودجه رقام بلندبالاتی از واردات پتشی دارد. واردات پتشی یعنی وارداتی که با ارز غیرنفتی توسط بندر نشینان یا غیر آن‌ها صورت میگیرد در سال گذشته حدود ۲ میلیارد دلار بوده. تازه این دومیلیارد دلار، دلارهایی بوده که می خواستند به گردش در آورند و کالای وارد کنند و بفروشند تا کارشان بگردد. رندان بهتر میدانند که ارقام غیر رسمی تا چه حدودی است! در حالی که رژیم سعی می کند به مردم بقبولاند که کاهش درآمد ایران از نفت، مانع جنگ، یک نعمت الهی است که موجب قطع وابستگی اقتصاد از نفت خواهد شد، اما کشور هنوز به میسران

اعتراف

جمهوری اسلامی سرانجام به دست داشتن خود در آدم‌ربائی‌ها و گروگان‌گیری‌های لبنان اعتراف کرد. جواد لاریجانی، معاون امور اقتصادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، در مصاحبه‌ای که روز پنجشنبه در روزنامه انگلیسی زبان "تهران تایمز" منتشر شد، اظهار داشت: "جمهوری اسلامی در آزادی دوگروگان فرانسوی در لبنان نقشی بسیار حیاتی و سازنده برعهده

با تهران آن‌ها را در مبارزه ضد استکباری جهانی نشان کلاماً هدایت می کند. لاریجانی در مورد فروش احتمالی سلاحهای فرانسوی به جمهوری اسلامی گفت: ما هر روز با پیشنهادهای دریافت اسلحه از کشورهای مختلف روبرو هستیم و برای پاسخگویی به آنها از مقرراتی که در این زمینه وضع کرده‌ایم پیروی می کنیم. معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه خود با "تهران تایمز" گفت: ما از انگلستان انتظار داریم که به آمریکا در توطئه‌ها یش علیه جمهوری اسلامی نپیوندند و با توجه به این که امروز در ایران دیگر فساد وجود ندارد، واقعتاً جمهوری اسلامی را درک کند."

اجلاس اوبک:

اختلاف نظر و آشفتگی

بقیه از صفحه ۱

محت و سقیم بین حدسیات اگرچه روشسن نیست اما کاهش شدید قیمت نفت که ظرف هشت ماه گذشته از بیشکای ۳۰ دلار سقوط کرده است ماههاست که اوبک را در اغتشاش و سرگیجه فرو برده است. کشورهای عضو اوبک حقیقتاً "دیگر نمی دانند در برابر رکود بازاری نفت که ناشی از عدم تعادل میان عرضه و تقاضاست، چه رویه‌ای پیش گیرند. طی اجلاس زمستان گذشته اکثریت قاطعی از اعضای اوبک به پیششازی و سعوت نفوذ غیرقابل انکار عربستان سعودی و به رغم مخالفت شدید جناح تندرو سازمان، علیه بعضی ممالک نفت خیز غیرعضو مانند انگلستان، به "جنگ قیمت‌ها" برخاستند. اما گذشت زمان بیهودگی این استراتژی را که مغایر قانون طبیعی عرضه و تقاضاست آشکار ساخته است.

استراتژی عربستان سعودی که هنوز هم به قوت خود باقی است، "حفظ سهم عادلانه اوبک" عنوان دارد، که مفهومش به کلام ساده‌تر، افزایش میزان تولید بمنظور "بزانس و درآوردن انگلستان" و دیگر کشورهای غیرعضو است.

تالی فاسد این استراتژی، اشباع کردن بازار و در نتیجه کمک به سقوط قیمت نفت است. اما استدلال عربستان سعودی این است که چرا کشورهای غیر عضو بخصوص تولیدکنندگان نفت دریای شمال تولید خود را کاهش نمی‌دهند، چرا آنها اوبک باید از خود گذشتگی نشان دهد. این استدلال اگرچه از یک دیدگاه، مبنای منطقی دارد، اما باره‌ای داده‌های اقتصادی را در نظر نمی‌گیرد. مثلاً، توجه به این واقعیت ندارد که اتحاد بک غول صنعتی نظیر انگلستان بیش از ۵ درصد به نفت متکی نیست، حال آن‌که اساس و بنیاد اقتصاد اکثر کشورهای عضو اوبک بر پایه درآمد حاصل از فروش نفت استوار است. ولذا همان‌گونه که در جمهوری اسلامی مشاهده میشود، هرگاه قیمت نفت به سرانجام سقوط بگراید اقتصاد این ممالک نیز از بنیاد بلرزه درمی‌آید.

عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی که طی سال‌های پلاستیکی نفت، ذخیره‌های ارزی قابل توجهی اندوخته و هزینه‌هایشان نیز محدود می‌باشد تا حد زیادی از عوارض "جنگ قیمت‌ها" برکنار مانده‌اند. ولی این استثناء به هیچ وجه درباره دیگران

صدق نمی‌کند. نمونه بارزان، با زهم ایران است که دولتش بعلمت سقوط بهای نفت حتی از عهده تاءمین دارو و مواد اولیه مورد نیاز زملت بر نمی‌آید. در چنین شرایطی است که سیزده کشور عضو اوبک با برگزاری هفتاد و هشتمین اجلاس خود در جزیره بیلاقی بریونی، درصدد بررسی مجدد اوضاع و احوال "تجدید نظر در استراتژی خود برآمده‌اند. طبق آخرین گزارش‌های واصله اختلاف نظر فاحش بر جلسات حکمفرماست. عده‌ای، که البته شمارشان کمتر از گذشته است، هنوز طرفدار ادا مه جنگ قیمت‌ها تا "تسلیم" ۱۱ انگلستان هستند. در برابر آنها، جناح تندرو مرکب از جمهوری اسلامی، لیبی و الجزایر خواستار کاهش میزان تولید کل نفت اوبک از ۱۹ میلیون بشکه کنونی به ۱۴ میلیون بشکه شده‌اند. آنها معتقدند که عده‌ای که با زکشت بهای نفت به شکلی تا ۲۸ دلار خواهان

انجام مید. بین این دو گروه اعضای معتدل تری مانند ونزوئلا، کابن، ونیجریه قرار دارند که طرفدار کاهش نسبی میزان تولید و تلاش در جهت رساندن و تثبیت قیمت نفت به بشکه‌ای ۱۷ تا ۲۰ دلار هستند. امروز، در واقع، هیچ یک از اعضای اوبک مخالفتی با کاهش نسبی تولید ندارند. مخالفت عمیق همگی علیه کاهش سهمیه تولید خودشان است. چون بدیهی است چنانچه تقاضا باشد میزان تولید کل اوبک کاهش یابد طبعاً همه یا عده‌ای از اعضا الزاماً باید جور آن را تقبیل کنند. و اینجاست که شکل مسرور می‌کند. زیرا از سیزده کشور عضو اوبک حتی یک عضو حاضر به کاهش تولید خود نیست. نگاه‌ها تا "متوجه دولت تر و تمند عربستان سعودی است. و نیز از ماه‌ها پیش اعلام کرده که دیگر زیر بار رفتار ادا که ری یک جا نبوده نمی‌رود.

تنها نتیجه قطعی اجلاس بریونی، انتخاب ریلوونلوکسن، وزیر نفت نیجریه به دبیر کلی این سازمان بجای هرناندز گریزانتی بوده است. به‌تایید محافل نفتی رسانه‌های بین‌المللی، این مهندس چهل و هشت ساله معادن، ماه‌های بین‌دشواری در پیش دارد.

رسانه‌های گروهی هلند:

سخن شاپور بختیار بر دل می‌نشیند

De gruwelen van Khomein

Iranse vrouw... Slecht gekleed? ...

'De weerzin tegen Khomeiny groeit'

Iranse oppositiegroep...

نهضت مقاومت ایران، شاپور بختیار این زندانی سیاسی سابق، در زمان زمام‌داری مور ایران را بدست گرفت و کوشید آن را به حال عادی برگرداند که کشور به یک آتشفشان جوشان می‌مانست.

نویسنده مقاله به نقل از دکتر قبا دیان یکی از اعضای هیئت‌تاعزای نهضت می‌افزاید: تعیین رژیم آینده ایران مسئله‌ای است که ملت ایران باید درباره‌اش تصمیم بگیرد. مادامکرات و معتقد به انتخابات آزادانه، مردم هستیم. روزنامه هلندی به نقل از اعضای هیئت‌تاعزای نهضت در هلند می‌نویسد: آنها می‌گویند ما نمی‌خواهیم یک دیکتاتور را بجای دیکتاتور دیگری بنشینیم و می‌افزاید: گروه بختیار در داخل ایران تظاهرات علیه رژیم خمینی را سازمان می‌دهد و در خارج از کشور اقدام‌های ترویجی این رژیم را افشاء می‌کند. تجهیز افکار عمومی ایران و جهان بر ضد خمینی، از وظایف این نهضت است.

این روزنامه می‌نویسد: بختیار، آخرین نخست‌وزیر رژیم پیشین بود، هم‌اکنون در تبعید است. بلکه بخاطر اینکه امکان تغییر دیکتاتور به دموکراسی را محتمل می‌دید، مقام نخست‌وزیری را پذیرفت.

وی می‌گوید: اکنون در جوی که مردم ایران از ارا دیکتاتور چپ‌وراست، روی گردان شده‌اند، صدای معتدل نهضت مقاومت ملی ایران به‌دل‌ها خواهند نشست.

روزنامه دیگر هلندی بنام "هست پارول" که بخش‌هایی ازها حبسه، مطبوعاتی هیئت‌تاعزای نهضت مقاومت را چاپ کرده است، ضمن تشریح اوضاع رژیم جمهوری اسلامی به نقل از یکی دیگر از اعضای هیئت‌تاعزای آراومی‌شود: آیت‌الله منتظری که به‌جای نشینی خمینی تعیین شده است، بعنوان یک شخصیت معتدل معرفی می‌شود ولی در حقیقت وی به‌جناح افراطی رژیم تعلق دارد. بهمین جهت او موفق نخواهد شد گروه‌های متخاصم در داخل رژیم را پس‌از سرگرمی با یکدیگر آشتی دهد.

در پی دیدارها و گفت‌وگوهای هیئت‌تاعزای نهضت مقاومت ملی ایسران و مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیویی - تلویزیونی آن در هلند که چندی پیش انجام شد، رسانه‌های هلندی، مقاله‌ها و تفسیرها "تبریه در باره" و "وضع ناگوار حقوق بشر در ایران و جنبه‌های رژیم خمینی به‌جای رس‌اندند. خبرنگار "قیام ایران" در لاهه می‌نویسد: دیدار هیئت‌تاعزای نهضت مقاومت ملی ایران و مصاحبه‌های روشنگر آن، رسانه‌های هلندی را نسبت به آنچه در ایران بلاییده می‌گذرد، آگاه ساخت. روزنامه "هت‌بینن هور"، چاپ لاهه، در تفسیری نوشت: نمایندگان نهضت مقاومت ملی ایران به رهبری شاپور بختیار، چهار نفر اکیسون بزرگ و کمیسیون روابط خارجی پارلمان هلند را در جریان خواست‌های ملت ایران قرار دادند و حقایق اوضاع ایران را برای آن‌ها تشریح کردند. نمایندگان نهضت خواستار قطع روابط دیپلماتیک هلند با جمهوری خودکام آیت‌الله خمینی شدند و اعلام داشتند که رژیم‌های هدیه‌اش به ملت ایران اشک و خون است، با پیدا زوی همی‌جها نیان محکوم شود.

"هت‌هاگه فولک"، دیگر روزنامه چاپ لاهه، زیر عنوان "در رژیم آیت‌الله‌ها، لب‌های سرخ ممنوع است" نوشت: فشارها و تفتیق‌هایی که در حق زنان ایران اعمال می‌شود در دنیا کم‌سابقه است. همین روزنامه‌ها تشریح فضای ایران در حکومت ولایت فقیه، کوشش‌ها و مبارزات دکتربختیار را در جهت استقرار حاکمیت ملی، یک‌نبرد ضدفاشیستی توصیف کرده نوشت: رژیم حاکم بر ایران با رژیم هیتلر قاطب مقایسه است. "روتردام" نشریه دیگر هلندی زیر عنوان "گروه مقاومت ایرانی می‌نویسد: نفرت نسبت به خمینی روبه‌ازدیا‌دست. بسیاری از روحانیان معتدل در ایران، خمینی را مطرود می‌دانند. به عقیده آنها آنچه‌تجه در ایران بنام مذهب انجام می‌گیرد، ربطی به مذهب ندارد. نویسنده مقاله با ذکر تاریخچه‌ای از مبارزات رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، یادآوری می‌کند: "رهبر

نشریه ایتالیایی زبان URL NEL SILENZIO 1986

دکان بد حجابی

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین المللی

چهره غم آلود قذافی

هفته‌ها مه‌لویونن چاب پاریس، در گزارشی راجع به اوضاع لیبی به قلم "پیربلو" می‌نویسد:
اسمال در یکی از جشن‌های مهم ملی لیبی که هر سال به مناسبت تخلیه پایگاه آمریکا...

شوروی به هنگام حمله هوایی آمریکا رویه بسیار محتاطانه در پیش گرفت، اما بعید نیست که از اوضاع و احوال فعلی برای افزایش نفوذ در لیبی استفاده کند.



یاسر عرفات خائن!

معاون وزیر امور خارجه اسلامی، روز گذشته گفت، مقام‌های رژیم اسلامی بسا سرفرازی عرفات رئیس‌الزمان آزادبخش فلسطین به تهران مخالفت کرده‌اند.

یآوری می‌کنیم که یاسر عرفات عضو هیات صلح کنفرانس اسلامی است که برای ختم جنگ جمهوری اسلامی و عراق تشکیل شد.

خبرگزاری فرانسه - ۲۶ ژوئن

پاریس - تهران

مذاکرات ادامه دارد

خبرگزاری فرانسه می‌نویسد: به دنبال رها شدن دو گروهگن فرانسوی از لبنان، در این هفته، دور جدیدی از مذاکرات بمنظور عادی کردن روابط جمهوری اسلامی و فرانسه، در پاریس آغاز خواهد شد.

دولت فرانسه با اخراج مسعود رجوی از خاک خود، یکی از شرط‌های جمهوری اسلامی را برآورده و از آنجا که اعلام کرده است قصد ندارد سیاست خود را در مورد عراق، به هیچ وجه تغییر دهد، به نظر می‌رسد اکنون جل اختلافت مالی، آسان‌ترین شرط باشد.

خبرگزاری فرانسه اضافه می‌کند: در بهمن ماه گذشته هنگامی که تصویب می‌شد اولین گروه از گروهگن‌های فلسطین به تهران می‌شوند، ترتیباً آزادی "آنیس نقاش" رهبر گروه تروریستی مذکور، از طریق غنوپزشکی در نظر گرفته شده بود.

یاسر عرفات تکذیب می‌کند

یک منبع مسئول فلسطینی به سبب اظهارات جمهوری اسلامی راجع به سبب این که از ورود یاسر عرفات به تهران جلوگیری شده است تکذیب کرد و اظهار داشت: "یاسر عرفات رهبر ساف نزد احدی تمایلی برای رفتن به تهران ابراز نکرده است و بعکس رژیم تهران مرتباً برای سرفیسک هیئت فلسطینی به تهران با فشاری کرده است."

جواد لاریجانی، معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، در مصاحبه‌ای با روزنامه تهران تایمز گفته بود که رژیم جمهوری اسلامی با وجود اصرارهای زیاد عرفات، از پذیرفتن وی به تهران خودداری کرده است.

مقام فلسطینی گفت: سازمان آزادیبخش فلسطین و عرفات همواره به کوشش‌های بی‌وقفه خود برای پایان دادن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق ادامه داده‌اند.

خبرگزاری فرانسه - ۲۷ ژوئن

امین جمیل

فرانسه، تسلیم باج خواهان

امین جمیل رئیس‌جمهوری لبنان تلویحا "دولت فرانسه را به خاطر آن که تسلیم باج خواهی جمهوری اسلامی شده است مورد سرزنش قرار داد."
به نوشته روزنامه تایمز مالی چاپ لندن، امین جمیل دیروز (۲۷ ژوئن) در مصاحبه‌ای با خبرنگاران این روزنامه گفت: غرب نباید با تروریست‌ها سازش کند یا به آن‌ها جایزه و پاداش بدهد.

تایمز مالی می‌افزاید: سخنان امین جمیل سرزنش‌آمیز صحنی دولت فرانسه است که به منظور آزاد کردن گروهگن‌ها پیش با حزب اللهی‌های لبنانی وابسته به رژیم تهران کننا آمده است.

امین جمیل از قدرت‌های بزرگ جهان خواست از لبنان حمایت کنند تا این کشور بتواند تروریسم را که به مناسبت ضعف دولت لبنان چون سرطان در این کشور ریشه دوانده است ریشه‌کن کند.

در این میان، به گفته محافل دولتی فرانسه، فرانسوا میتران رئیس‌جمهوری این کشور که حق عفو محکومان را دارد مرتباً در جریان فعالیت‌های دولت برای آزادی گروهگن‌ها قرار می‌گیرد.

فرانسوا میتران برای آزادی گروهگن‌ها جنبه کلی و همه‌گیر دارد و تمامی گروهگن‌ها عم از دیپلمات‌ها و روزنامه‌نگاران و کسانی را که اسیر سازمان جهاد اسلامی با سازمان عدالت انقلابی هستند در برمی‌گیرد.

گذشته از جمهوری اسلامی، نخست‌وزیر فرانسه از الجزایر سوریه نیز می‌ماند سبب آزادی گروهگن‌ها تشکر کرد.

مناقشات بین کشورهای جهان سوم و کشورهای غربی آنجا که مسائل سیاسی - انسانی مطرح می‌شود، نقش میانجی‌گرانه برعهده می‌گیرند، مانند آزادی دیپلمات‌های آمریکایی در تهران یا پذیرفتن زندانیان فلسطینی به هنگام مبادله اسیران اسرائیلی و فلسطینی در سه سال پیش.

خبرگزاری فرانسه - ۲۴ ژوئن ۸۶

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - کانادا

شهر تورنتو ۴۱۶/۳۶۱۳۴۵۸

فرهنگ ایران

آشنایی با متون فارسی

قائم مقام فراهانی

جادوگر سخن و سیاستمدار بزرگ

محمد جعفر محبوب

یکصد و پنجاه و یک سال پیش از این ، در ششم تیرماه سال ۱۲۱۴ شمسی موافق واپسین روز ماه صفر سال ۱۲۵۱ هجری قمری و ۲۷ ژوئن سال ۱۸۳۵ میلادی ، یکی از بزرگترین فرزندان ایران در عرصه ادب و سیاست و یکی از کارآمدترین وزیران ، یعنی میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی - بر اثر توطئه عاقلان دستگانه خارجی و درباریان فاسد دربار قاجار و شاهزادگان نالایق و فرزندان بیسار متعدد فتح علی شاه قاجار که لیاقت و درایت و توانایی قائم مقام دست آنان را از کارها کوتاه کرده بود ، به امر محمد شاه قاجار ، شاهی که تاج و تخت خود را مدیون کوشش شخصی قائم مقام بود ، به قتل رسانید .

محمد شاه اورنگ شاهنشاهی را از نیایی به ارث می برد که بیش از صد فرزند ذکور از خود برجای نهاده بود و برابری کردن با این اردوی مدعیان ریزودرشت پادشاهی ، که در مقام نقاط و شهرستان های گوناگون در شرق و غرب و شمال و جنوب ایران پراکنده بودند از عهده یک تن برمی آمد و آن قائم مقام بود . اما چون به کوشش این وزیر بی نظیر تمام کردن کشتن سرکوب شدند محمد شاه نگذاشت که قائم مقام دوران وزارت و صد ارت خویش را به یک سال تمام برساند . شاه را وسوسه کردند که گویا قائم مقام سودای سلطنت در سر می یزد و چنین نبود . محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب رویای صادقانه یا خلسه

(۱۲۵۵ شمسی / ۱۸۷۶ میلادی) به دستورا ویس میرزا پسر حاج فرهاد میرزا چاپ شد و انتشار یافت . مقدمه آن را محمودخان صبا ملک الشعراء دربارنا صراالمدین شاه نوشته بود . این مجموعه دهها بار تجدید چاپ شد ، و تنها چندسال پیش بود که یکی از نواده های قائم مقام ، سرهنگ جهانگیر قائم مقام می مقدار قابل ملاحظه از نامه های تازه یافته قائم مقام را گردآورد و در دو سه مجلد ، جزء انتشارات دانشگاه تهران منتشر ساخت . اما شگفت تر این است که قائم مقام از با مداد ، پس از گزاردن نماز صبح به کار ملک و تدبیر امور کشور و تهیه پول برای پرداخت مخارج جنگ و مانند آن مشغول و تا پاسی از شب گذشته درگاه را این گونه تلاش های طاقت سوز بود ، و تمام این نوشته ها را ، که تنها آثار نشر فارسی است که در فضاحت و روانی و زیبایی پس از درگذشت شیخ اجل سعدی به حریم وی نزدیک شده است ، در آخرین پاس شب و گاه چند ساعت از نیم شب گذشته ، می نوشت و بی پیش نویس و پاک نویس تهیه کردن ، شری بدین لطافت و طراوت بر زبان قلم وی جاری شده است . در حقیقت پاسخ نوشتن به نامه ها بخشی از وظایف دیوانی و اخوانی (= شخصی و خصوصی) قائم مقام بود و او این وظیفه را در آغوش ، پس از فراغت یافتن از کارهای مهم انجام می رسانید و " منشیات قائم مقام " حاصل انجام یافتن این وظیفه است .

چون در این گفتار جنبه فرهنگی و ادبی این مرد جلیل بخش از چهره سیاسی وی مورد نظر است ، آن را با نقل بخشی از نثر وی به پایان می آوریم . قسمت منشور گرفته شده از نامه های آستان که از زبان عباس میرزای ولی عهد به مردم تبریز ، خاصه روحانی نمایان آن شهر که در جنگ ایران و روس خیانت را به اعلی درجه رسانیده بودند نوشته است . پس از شکست لشکر ایران از سپاه روس ، فرمانده روسیان سپاه خود را جمع آورد و ایروان را گرفت و به سوی تبریز حرکت کرد . در این هنگام میرفتاح ، پسر حاج میرزا یوسف مجتهد تبریزی که به گفته صاحب نامه ناصر می جوانی کیوتریز و در سلک رشود حیلست ساز ... بود و بعد از زبرد به جای او پیش نمازی می نمود مردم شهر را به اطاعت از روسیه اغوا کرد و بر سر منبر زبان بسته دعای دولت امپراتوری روس برگشود و او را شهنشاه برداشت و مستحفظان قلعه تبریز را غارت کرده و آن ها را اخراج نمود . وقتی صدای توپ روسی از دو فرسخی شهر شنیده شد میرفتاح علمی بر پا کرد و با اعیان شهر به استقبال سپاه روس شتافت و روسیان را با احترام تمام وارد تبریز کرد . " نامه قائم مقام خطاب به این جماعت ، خاصه میرفتاح است :

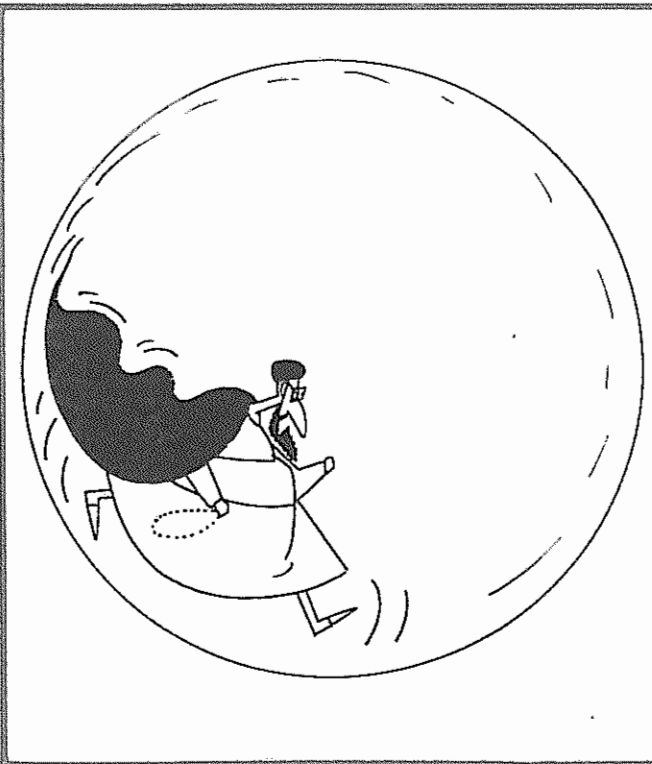
" (ولی عهد) ... می فرمایند پهلوانان قند و ماس ، و قدح های افشرد و آش شامست که حضرات را هار کرده است . اسب عربی بی اندازه جومنی خورد ، و اخته قزاقی اگر دره می یک جا بخورد بدستی نمی کشد ، خلاف بوهای دودرغ (= دورگ) که تا قدری چو زیاد دید ... اول لگد به بهتری که تیمارش می کنند می زند .

ای گلبن تازه خار جودت اول بر برای باغبان رفت

پس از قائم مقام تدبیر ملک در کف مردی نادان نهاده شد که محمد شاه به عنوان مرشد و معلم روحانی خویش بدو اعتقاد به کمال داشت و ملاحظاتی بیرونی معروف به حاج میرزا آقاسی است که با آن همه نادانی و بی خبری از آن که او را وزیر خطاب کنند یا صدراعظم بنامند اگر آه داشت و دولت خود را نزد محمد شاه بالاتر از این لقب ها می پنداشت . در نسخ التواریخ آمده است که : " اهالی دول خارجه چون دانستند که حاج میرزا آقاسی لقب صدارت و وزارت را مکروه می دارد او را شخص اول ایران خطاب کردند و ایسن لقب را پسندید .

این " شخص اول ایران " با نفوذ تامی که در مزاج محمد شاه داشت به شدت در برابر قائم مقام احساس حقارت می کرد و همواره می کوشید تا خود را در شعر و نثر و فضل و ادب و بلاغت مدیو برساند و ممکن نبود از همین روی وقتی قائم مقام را در برابر نگارستان خانه کردند حاج میرزا آقاسی برای مهروموم کردن خانه و تصرف مایملک قائم مقام ، البته به نفع دولت ، به خانه او رفت و نخستین کاری که کرد این بود که آنچه نوشته به خط قائم مقام در خانه وجود داشت در آتش ریخت و از میان برد و این جنایتی بود به گمان نویسنده این سطور ، بزرگ ترا ز کشتن شخص قائم مقام ، چه وی اگر کشته هم نمی شد ، سرانجام روزی چشم از جهان برمی بست و به گلزار جنتان می خرامید ، اما میراث علمی و ادبی وی ، و آنچه زاده طبع روشن و جان سخن آفرین وی بود برجای می ماند و دست ما به کا تبان و طالبان ادب می شد . جلادان ، وجود جسمانی و طبیعی قائم مقام را از میان برداشتند ، اما حاج میرزا آقاسی کوشید تا قائم مقام واقعی ، قائم مقام جاودان را بکشد و اگر در اجرای آن توفیق کامل نیافت ، بسیاری خون بخش بزرگی از دیوان و دفتر قائم مقام به گردن او بست .

نخستین مجموعه منشیات او را پس از وفاتش شاه زاده ادب دوست حاج فرهاد میرزا برادر محمد شاه با تکاپوی فراوان فراهم آورد و نخست بار به سال ۱۲۹۴ هجری



فتح در لغت به معنی بازگشاده است . از این روی در کتیبه درهای ورودی خانه ها اغلب عبارت " هوالفتاح لعلم " (اوست بازگشاده دان) که از قرآن گرفته شده است دیده می شود . فتح و علیم از صفت های خدای تعالی است . قائم مقام در این جایز سرانقا دوطنز ، میرفتاح را - که به نادانسی و بی سوادی شهرت داشته - فتح غیر علیمی نامد .

گرفته شده است از این بیت خواجه حافظ :
از قیل و قال مدرسه حالی دلم گرفت
یک چند نیز خدمت معشوق می کنم
و آشنایان به سخن حافظ وسعدی می دانند که این گونه بهره گیری از سخن بزرگان و آیات قرآنی و احادیث در نثر قائم مقام فراوان است .



شاه، یا قدرت بی حد و حصر

نوشته: رینار کایو حسکی

مصدق کبیر

Le Shāh
OU
La démesure du pouvoir

Lectures étrangères

را بخترمی اندازد و آرا مشان را بیسم می زند... مصدق کبیر را بخترمی اندازد و آرا مشان را بیسم می زند... مصدق کبیر را بخترمی اندازد و آرا مشان را بیسم می زند...

مدرسختی بود، در برابر دیگران سرسخت بود زیرا هرگز نخواست از راه خود برگردد... مدرسختی بود، در برابر دیگران سرسخت بود زیرا هرگز نخواست از راه خود برگردد...

می پرسید که آیا "مصدق" محکوم به شکست نبود؟ او شکست نخورد، او پیروز شده است... می پرسید که آیا "مصدق" محکوم به شکست نبود؟ او شکست نخورد، او پیروز شده است...

چکسی می تواند بگوید که "مصدق" در آنچه گفته کرد و گفت، بدر کرده است؟... چکسی می تواند بگوید که "مصدق" در آنچه گفته کرد و گفت، بدر کرده است؟...

ریزار کابوچینسکی، لهستانی متولد ۱۹۲۲، روزنامه نگار است... ریزار کابوچینسکی، لهستانی متولد ۱۹۲۲، روزنامه نگار است...

نوار ضبط صوت - شماره یک

بله، مطمئناً می توانید حرفهایم را ضبط کنید... بله، مطمئناً می توانید حرفهایم را ضبط کنید...

مسلمان خوانده نمی شود، اما پس از اقرار به آن، هیچ کس جز خدا نمی تواند در باره آن خلوص اعتقاد داشته باشد... مسلمان خوانده نمی شود، اما پس از اقرار به آن، هیچ کس جز خدا نمی تواند در باره آن خلوص اعتقاد داشته باشد...

را به سینه می زند، برای گناهانی چون دزدی، راهزنی، زنا و ارتداد بی هیچ گذشت و چشم پوشی همان مجازات های رایجی است... را به سینه می زند، برای گناهانی چون دزدی، راهزنی، زنا و ارتداد بی هیچ گذشت و چشم پوشی همان مجازات های رایجی است...

پیامبران کذاب

وا ز این آیه این نتیجه دور از ذهن می گیرند که پس جادریا حجاب حتمی است... وا ز این آیه این نتیجه دور از ذهن می گیرند که پس جادریا حجاب حتمی است...

بقیه در صفحه ۱۰

تصحیح

در مقاله "سیاست گشایش و مدارا جویی گورباچف"، نوشته آقای احمد میر... در مقاله "سیاست گشایش و مدارا جویی گورباچف"، نوشته آقای احمد میر...

نامه‌ها و نوشته‌ها



چاپ‌نامه‌ها و نوشته‌ها و سندهای خوانندگان گرامی...
چاپ‌نامه‌ها و نوشته‌ها و سندهای خوانندگان گرامی...
چاپ‌نامه‌ها و نوشته‌ها و سندهای خوانندگان گرامی...

وزرای سابق!

بمنده در روزنامه‌ها می‌بینیم سیون پاریس شماره پنجشنبه ۲۶ ژوئن خبری خوانندم که یقیناً شما هم ملاحظه فرموده‌اید عنوان خیر چنین است:
"نخست وزیر سابق بلژیک به جرم تقلب مالیاتی محکوم شد."
و در متن خبر می‌خوانیم که آقای "بل واندن بویانت" رهبر سابق حزب سوسیال مسیحی بلژیک که از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۸ به مدت ۱۲ سال نخست وزیر بلژیک بوده است، به اتهام تقلب مالیاتی از طرف شعبه ۲۲ دادگاه جنجالی بروکسل به سه سال زندان و ۶۲۰/۰۰۰ فرانک بلژیک محکوم شد.
با توجه به میزان جرمی که تقریباً ۱۰ هزار دلار آمریکا می‌شود بنسبت حدس می‌زنم که میزان تقلب مالیاتی در همین حدود بوده است.
می‌خواهم از فرصت استفاده کنم و به درگاه ایزدمنان شکرگزاری کنم که درسی چهل سال اخیر در مملکت ما هیچ‌کدام از نخست وزیران و وزیران و ستادورها و وکلای مجلس تقلب مالیاتی نکردند، مالیاتی خود را به تمام و کمال پرداختند در نتیجه دست عدالت‌گرایان آن‌ها را نگرفتند و آن عده زاپشان که امروز به‌جمله در اروپا و آمریکا به زندگی فراختمندانانه و مرفه‌خوایان می‌دهند، پول صددرصدی و مالیات در وقت خود را می‌پردازند و سنگینی بار را روی دوش وجدان خود احساس نمی‌کنند. این تفاوت کشور منزه ما با کشورهای توسعه‌یافته بلژیک است!

کلاهبرداری سیاسی

تا به زبرداری ارتباط با نامه‌ها زیبایی به امضای م - ش تحت عنوان "پازگشت به هویت" (قیام ایران شماره ۱۵۲) ارسال می‌کردند.
... نباید شک داشت که ملت در واقع انقلاب فدیکتاتوری نا آگاهانه آقای خمینی را "دمکرات" بندها شده بود و فارغ از هرگونه کندوکاو و در عمق مسئله خود را بدست سیاست‌های یک روحانی شیعه قرار داد که علت اصلی این اشتباه همان دوربویون از واقعیت‌های تاریخی ایران است. کمتر کسی می‌توانست دریابد که این روحانیان قدرت طلب گروهی شورشی قرون وسطا بی‌اندکسدر اثر عدم همکاری با تاریخ همیشه مطرود و منزوی بوده و در کسب قدرت کوشا. ما جوانان ایرانی همان‌طور که از مصدق چیزی نمی‌دانستیم از فضل‌الله نوری نیز غافل مانده بودیم چیزی که ما را از آن می‌ترساندند همانا کمونیسم و بسا ارتجاع سیاه بود که اولی را با لفظ "بی‌خدایی" تفسیر می‌کردیم و دومی را چیزی در ردیف اولی می‌بناشتیم.
تعجب نباید کرد که آقای خمینی با استفاده از مقام روحانی خویش روح عساکر و خواهان آزادی ما ایرانیان را به کردار و ویا بهتریگویی با تعلق تاریخی فراوان داشت. ملت بنا بر عقاید خمینی می‌بایست در یک دایره منحوس و پرتلاطم تاریخی بدنبال ردیابی برای دوران پر عظمت اسلام آن‌ها زدیدگاه کندوکاو کند. و بر اثر این مسأله، اقبیان، مسلمانان سنی، که می‌روند به جنگ مشغول

سیاسی

سفیر پاکدامن

چون با توجه به شیوه‌های متین روزنامه‌ها و طبقه‌های خوانندگان آن، به نظر من شایسته نیست که با نشر نا آگاهانه مطالب سخیف از ارزش و وزن آن کاسته شود، اجازت بفرمایید در درستی قسمت اول نامه آقای داریوش شاهین (صفحه ۱۰ پنجشنبه ۲۲ خرداد جاری) تردید کنم:
بدون عنایت به تعلق سیاسی آقای دکتر سعید رجایی خراسانی، فارغ از تحصیل دانشگاه آمریکا بی بیروت (مستراً و آرت) دارای درجه دکتری در فلسفه زلنندن، ایشان در سال ۱۳۴۶ با مدرک فیسوق لیسانس در دانشگاه تبریز استفاده شدند و با استفاده از مقررات آموزشی دانشگاه مذکور، برای گرفتن درجه دکتری (شاید در سال ۵۲) به انگلیس رفتند و کمی بعد از سه سال با موفقیت به گروه فلسفه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی تبریز بازگشتند.
شما کسانیکه در دانشگاه تبریز کار کرده‌اند ایشان را از دور یا نزدیک می‌شناسند. بدون توجه به دلیلتی ایشان به آقای خمینی و دارنده‌ها و مسلمانان و یا گروه خاصی از فلسطینی‌ها، کسب جهت گیری سیاسی وی به حساب می‌آید، ایشان در فلسفه مردی فاضل، در زبان و به خصوص لغت انگلیسی ما هوشیما، بنسبت عنوان یک انسان، با کدما من و کلاماً "میرا" از این حرف‌های کودکا نه "بارانی‌زدی" هستند.

بعدها زور و آقای خمینی به ایران، ایشان چند ماهی هنوز در تبریز بودند (و بدون تردید سمت‌های مهمی هم در آن روزها داشته‌اند که دقیقاً "نمی‌دانم") و برای آزاد ساختن دوسه نفر هم که در آن روزهای تب و تاب به چنگ کمیته‌ها و ویا به زندان افتاده بودند اقدامات ایشان به نتیجه مطلوب رسید.

برای بدنام کردن ایشان قطعاً راه‌های بسیار دیگری وجود دارد اما اطلاعات آقای داریوش شاهین بدون تردید در مورد شخص دیگری با همین نام می‌باشد و بنا نمائینده فعلی ایران در سازمان ملل مسلمانان را تباطی ندادند.

چون با ایشان هیچ‌گاه طرز فکر مشترکی نداشته‌ام، خویشاوندان هم نیستیم و نیز با همه کمی‌ها و کاستی‌های امروز نیازی به ایشان ندارم. قبول بفرمایید که انتشار این گونه اطلاعات بی پایه را در آن روزها من و کسانان ایرانی، ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران، دانستیم. از کسانیکه مقیم پاریس هستند و پیش‌ترها به نوعی با دانشگاه ادبیات تبریز در تماس بوده‌اند کسب اطلاعات بفرمایید و بعد چنانچه صلاح دانستید اطلاعات آقای داریوش شاهین را اصلاح بفرمایید تا و صلحاً هوجی گری و نشنر اکا ذیب به روزنامه‌ها نتان نچسبند.

امضاء محفوظ

سفیر دزد

من مقاله آقای "ح.مشکان" را در شماره ۱۵۶ روزنامه شما تحت عنوان "قضیه آن دوزخ پارچه" خواندم. چون به تازگی از نیویورک می‌آیم و هنگام اقامت در آن شهر سودای گرفتاری آقای رجایی بلند بود از یکی از دوستان قدیم که سال‌هاست (حدود ۳۰ سال) مقیم نیویورک است موضوع را سؤال کردم آنچه دوست من که از اوضاع بی اطلاع نیست می‌گفت اینست:
این با را اولی نبود که آقای رجایی به مغازه الکساندر دستبرد می‌زد. با رسوم بود. دوا ر گذشته با اینکه ظن دستبرد نسبت به ایشان می‌رفت ولی فروشندگان نتوانستند بطور داکاه پسندانه او را دستگیر کنند ولی عکس‌اوبه عنوان "دستبرد زنده" به فروشندگان داده شده بود. به محض مراجعه اینگونه اشخاص فروشنده مستلزم است به ما مورآگاهی مغازه حضور وی را اطلاع بدهد و این دفعه آقای سفیر در حال خارج شدن از مغازه با بارانی سرورقه بدون برداخت قیمت آن دستگیر شد.

امضاء محفوظ

دو باره نویسی شاهنامه!

در جمع گروهی از جوانان صحبت از شعر و شاهنامه فردوسی به میان آمد و با لاشهره سخن به مقاله آقای محمدجعفر محجوب تحت عنوان "چرا شاهنامه سده ملیست" ما ست رسید. هر کس مطلبی را در این مقوله عنوان می‌کرد ولی در مجموع اظهار نظری کردند که با اینکه شاهنامه یکی از شاهکارهای همیشه جاویدان شعر فارسی است که هر ایرانی به آن مباحثات و افتخار می‌کند ولی از نظر محتوای تاریخی و رسا شدن پیغامش به همه مردم امروز ایران آبی بهترین نیست که فصلی ما صاحب‌ملاحظیت ما هستی کند و آنرا به نشر هم برگردانند تا خوانندش برای همگان آسان و روان شده و مطالبش از نقطه نظر روشن کردن نکات تاریخی ایران بیشتر و بهتر مورد دقت و توجه نسل تازه قرار گیرد.

این جوان‌ها می‌گفتند که در زمان‌های دور که قرا دبا سواد داشتند شما می‌توانید البته برگردانند آثار منثور به شعر از اهمیت بسیار برخوردار بوده که آن جمله چون شعرا را از وزن و قافیه و آهنگ است بهتر می‌توانست در ذهن شنونده وارد و در حافظه و محفوظ بماند. ولی امروزه که تعداد کسانی که از زعمت سواد برخوردارند با آن زمان ها قابل قیاس و مقایسه نیست و گرفتاری روزمره زندگی و کثرت کتب و نشریات خوانندگی مجال زیاده باقی نگذاشته که خواننده تنها به خواندن شعرو تفسیر و تالیفات آن اکتفا کند. ما می‌توانیم متن را بخوانند که خوانندش آسان و فهمش راحت و بدون مغالطی باشد تا بتوانند سرعت این کتاب را تمام کرده به دیگری بپردازند تا بلکه به جزئی از بحر بی‌کران دانستنی‌ها که حدود مرزش تا پیدا است دست یابند.
لندن - یک خواننده

تیم فوتبال ایران

در شماره ۳۱ مسلسل ۱۵۶ مورخ ۲۹ خرداد ۱۳۶۵ آن روزنامه از قول حشمت مهاجرانی مربی تیم ملی فوتبال ایران که هم‌اکنون سرپرستی تیم ملی امارات متحده عربی را بر عهده دارد خبری نقل شده بود مبنی بر اینکه چنانچه انقلاب نمی‌شد و آقایان سرکار نمی‌آمدند، تیم ملی فوتبال ایران مقام سوم جهان را بدست می‌آورد. اینک با توجه به مطالب دیگر این خبر، نکاتی چند را بعرض شما می‌رسانم.

۱ - حشمت مهاجرانی هرگز چنین سخنی بر زبان نخواهد آورد زیرا با توجه به حذف تیم‌های حرفه‌ای مانند انگلستان - ایتالیا که به ترتیب یک و ۲ بار قهرمان جام جهانی شده‌اند و نیز تیم ملی فوتبال مکزیک که از کسب این پیش در ادهوی آمادگی بسرمی برده و از جام بیست ۱۱۵ هزار رتما شایسته در کشورش برخوردار بود اظهار نظری غیرقانونی است.

۲ - در مورد شرکت مهاجران شاهرخ و حسن روشن در تیم ملی امارات متحده عربی که گویا حشمت مهاجرانی (بنا بنوشته روزنامه قیام) عنوان کرده است، افراد خارجی فقط با تغییر ملیت می‌توانند در تیم‌های ملی دیگر کشورها بازی کنند و گویا تهیه کنندگی خبر تیم‌های باشگاهی را با تیم ملی اشتباه کرده‌است.

۳ - علاوه بر این مهاجران شاهرخ به علت با لارفتن سن، فوتبال را بطور کلی کنار گذاشته و به مربی گری روی آورده است و حسن روشن نیز از ۵ سال پیش که برادرش را در جبهه‌های جنگ از دست داد اما امارات متحده عربی را ترک کرده و سرپرستی خانواده‌اش را در تهران بر عهده گرفته است و از بازگشت به امارات متحده عربی خودداری کرده است.

با تقدیم احترام
هاشم چنسانی

طی آبان ماه ۱۳۳۵ وقتی معلوم شد که از سواط طست جرج مکی نیز نتیجه‌ای بدست نخواهد آمد فکرتا زه‌ای به احتمال قوی بنا بر ابتکار دولت آمریکا مطرح گردید. از این قرار که بانک بین‌المللی عمران و توسعه یا بانک جهانی از لحاظ مرام و امکانات سازمانی خود در وضعی قرار دارد که می‌تواند در نقش یک عامل موقت به رفع بحران کمک کند. بانک مزبور یکی از موسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل است که طبق اساسنامه خود با سرمایه ووسایل و تجهیزات آنی که در اختیار دارد به صورت‌های مختلف به توسعه اقتصاد کشورهای کم‌کم می‌کند از قبیل دادن وام برای اجرای طرح‌های عمران یا گذاردن کارشناسان فنی در اختیار دولت‌ها یا میانه‌جی‌گری در مذاکرات مربوط به عقد قراردادها.

در اواسط آبان رئیس بانک جهانی از سفیر پاکستان درخواست کرد که زمینه مذاکره او را با دکتر مصدق فراهم کند و چون دکتر مصدق اصولاً با یاد درمیانی بانک مخالفت نداشته روز ۱۸ آبان رابرت گارنر Robert GARNER قائم مقام رئیس بانک

به دیدن او رفت و اظهار کرد که چنانچه دولتین ایران و انگلستان که هر دو عضو بانک هستند از بانک درخواست کنند بانک حاضر خواهد بود بدون ورود در مباحث اختلاف و به طرزیکه مورد توافق طرفین باشد یک ترتیب موقت برقرار کند که نفت ایران دوباره به جریان بیفتد و زمینه حل نهائی اختلاف فراهم شود. گارنر کلیات ترتیبی را هم که برای وساطت بانک در نظر داشت به این شرح بیان کرد که بانک یک مؤسسه عا مصلحت مسئولیت خود تشکیل دهد که بانک‌های که بانک در اختیارش خواهد گذاشت صنعت نفت ایران را اداره کند و به این منظور کارشناسان انگلیسی را به کار برگرداند و نفت تولیدی را به قیمت مرضی طرفین به شرکت سابق فروخته قسمتی از درآمد فروش را در حساب سپرده‌ای برای تصفیه غرامت شرکت نگاه دارد. دکتر مصدق در مراجعت به ایران در جلسه ۱۹ آذر مجلس شورا اشاره به مداخله احتمالی بانک نمود ولی گفت یک شرط که بانک بنا به تلقین دولت انگلیس طرح کرده است قابل قبول نخواهد بود. یعنی برگرداندن انگلیسی‌ها به کار رفتن وی در توضیح علت رد این شرط گفت: "من هر قدر فکر می‌کنم ما برای تحصیل این استقلال غیر از آنچه برای انگلیسی‌ها از جنوب ایران کار دیگری نکرده ایم. بنا بر این اگر من حاضر شوم ملت ایران هیچوقت حاضر نیست استقلال را که با این همه فداکاری بدست آورده است به این آزدست بدهد."

پس از عزمیت دکتر مصدق از آمریکا بانک جهانی نمایندگان برای مذاکره با دولت انگلیس و شرکت نفت به لندن فرستاد و بعد از حصول اطمینان از موافقت اصولی آن‌ها و نیز اطلاع از اینکه دولت ایران نیز بر اصولاً با مداخله بانک موافقت دارد دونفر نماینده یعنی عضو ارشد اداره اعتبارات خود موسوم به هکتور پرودم Hector Prodromou و یک کارشناس امور نفتی به نام تورکیلد ریبر Torchild Ribber را برای کسب

اطلاعات دقیق راجع به وضع تاسیسات نفتی به ایران فرستاد این دونفر روز ۱۶ دیماه ۱۳۳۵ وارد تهران شدند و تا ماهی به تاریخ ۶ دیماه از طرف رئیس بانک جهانی خطاب به دکتر مصدق همراه آوردند و طی ملاقات‌هایی که با دکتر مصدق و مشاوران دولت نمودند در اطراف نکات عمده مداخله احتمالی بانک در کار نفت ایران که اصولاً آن در نامه مزبور ذکر شده بود توضیحاتی دادند. مفاد نامه مزبور بطور خلاصه به شرح زیر بود:

"بانک در نظر ندارد بطور دائم و به عنوان یک عمل بازرگانی وارد صنعت نفت شود و پیشنهاد دادمی هم عرضه نمی‌کند بلکه فقط می‌خواهد یک ترتیب موقت برای برآوردن اخذ عملیات نفت پیشنهاد کند که بهی آنکه به حقوق طرفین زیانی وارد آید و در آرد جریان نفت راتا مین کند. منظور اساسی اینست که یک طریقه عملی اتخاذ شود که متضمن حسن اداره صنعت نفت ایران باشد و بنا بر این بانک رعایت اصول زیر را لازم می‌داند:

- الف - عملیات تحت مدیریت هیئت ازانحصالی بی طرف که به وسیله بانک انتخاب می‌شوند و مسئول بانک خواهند بود.
- ب - بانک در اختیار اختیار کامل برای تاسیس حسن اداره عملیات خواهد بود.
- ج - خدماتی که بانک انجام خواهد داد جنبه موقت خواهد داشت و خدش‌های به حقوق طرفین وارد نخواهد ساخت.
- د - بانک در ازای خدمات خود انتظار رسود نخواهد داشت ولی باید از هرگونه احتمال ضروریان مصون باشد.
- ه - بانک مادام که در آمدت‌های از عملیات تحصیل نشود وجوه لازم را برای جریان کارها فراهم خواهد ساخت و بعد از محل درآمد منصفت برداشت خواهد نمود.
- و - بانک قرارداد برای صدور کلی نفت و توزیع آن از طریقیکه هم‌اکنون موجود می‌باشد منعقد خواهد نمود.
- ز - وجوه حاصل از فروش بساز و وضع هزینه‌ها به صورت زیر تقسیم خواهد شد: یک قسمت به ایران و یک قسمت به خریدار و بقیه بطور مساوی بین بانک و خریدار خواهد شد.
- ح - این ترتیب برای مدت ۲ سال مقرر خواهد شد ولی به توافق طرفین قابل تمدید خواهد بود.

فواد روحانی

۳۰

مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

پیشنهادهای مخالف استقلال ملی

در پایان نامه اضافه شده بود که مطالب دیگری مخصوصاً موضوع قیمت و تناسب تقسیم درآمد باقی است که بعد باید به تفصیل مورد بحث قرار گیرد. ولی هیئت مدیره بانک لازم می‌دانند اول نظر دولت ایران را در باره اینک آبان نظر بر تاسیسات اصولاً مورد موافقت هست یا نه بدانند. جوابی که دکتر مصدق در تاریخ ۱۲ دی به نامه بانک داد بیشتر درخواست توضیحاتی در باره شرایط پیشنهادهای بانک بود ولی دو نکته مهم نیز در برداشت که با پیشنهادهای بانک وفق نمی‌داد. یکی اینکه طرف معامله نباید در درآمد فروش سهمی شود بلکه باید نفع خود را از طریق خرید نفت با تخفیف دریافت نماید. دولت ایران و طبق دستور دولت ایران عمل کند. این دو شرط و استوالاتی که دکتر مصدق طرح کرد در واقع رد پیشنهادهای بانک بود. ولی نه دکتر مصدق و نه بانک از تعقیب موضوع منصرف نشدند. چون هر طرف تصور میکرد که طرف دیگر را برای تغییراتی در نظر خود بساقتی گذاشته است ولی بعد معلوم گردید که چنین نیست.

نمایندگان بانک چند روز بعد از ورود به تهران همراه با دو نفر از مهندسان شرکت ملی اعزام آبادان شدند و پس از بازدیدها سیات نفت در مدت یک هفته روز ۲۱ دیماه به تهران بازگشتند و ضمن ملاقات با دکتر مصدق از مشاورات خود و از طرف کارشناسان و مشاوران به وسیله کارشناسان ایرانی و توانائی آن‌ها در اداره عملیات میزبان محدود اظهار رضایت کامل و اطمینان نمودند و گفتند مراتب را از همان قرار بر روی پای بانک گزارش خواهند داد. آن‌ها روز ۲۳ دیماه به آمریکا مراجعت کردند و چون تمادفا در همان موقع چریل نیز به آمریکا رفته بود اولیای بانک او را از جریان مسافرت نمایندگان نشان به ایران آگاه نمودند و وعده داد که در مراجعت به لندن موضوع رادیهیت وزیران و مطرح و زمینه را برای مداخله بانک مساعد کند. بررسی موضوع بین دولت انگلیس و شرکت نفت دو هفته به طول انجامید و سپس نتیجه آن به بانک جهانی اعلام شد. اما آنچه در آن موقع آیدن (Liden) اظهار کرد معلوم بود که دولت انگلیس نسبت به وساطت بانک باطناً خوش بین نیست. این روز ۱۵ بهمن ضمن نطقی که در پارلمان ایراد نمود گفت: "در خصوص ایران گزارش امیدبخشی ندارم. پاسخ اول دولت ایران به بانک بین المللی چندانی امیدبخش نبود. با این حال بانک در کاری که پیش گرفته یا فشاری دارد و مصمم است بدانند چه کمکی می‌توانند بکنند تا کار را از این مرحله بن بست خارج سازند."

بانک جهانی پس از دریافت نظریات دولت انگلیس و تطبیق آن با موقعیت خود در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۳۵ میسویونی به ریاست گارنر و عضویت هکتور پرودم و کلارک Clark مشاور حقوقی و لیپ کوتیز Lipkowitz) مشاور اقتصاد با بانک به تهران اعزام نمود تا امکانات عملی بانک را با در نظر گرفتن نتیجه مذاکرات لندن به اطلاع دولت ایران برسانند. اما مبردگان طی هشت روز با دکتر مصدق و مشاوران فنی دولت مذاکره کردند. ولی به بالاخره معلوم گردید که بین طرحی که بانک پیشنهاد می‌کرد و آنچه دولت ایران می‌توانست قبول کند فاصله به اندازه‌ای زیاد است که حصول توافق امکان پذیر نیست. روز ۳۰ بهمن گارنر و پرودم تهران را به مقصد لندن ترک کردند تا در باره نظریات دولت ایران در برابر پیشنهادهای بانک با شرکت نفت و دولت انگلیس مذاکره کنند. این مذاکره دو روز به طول انجامید ولی منجر به هیچ گونه تعدیلی در خط مشی مقامات مزبور نگردید. پرودم روز ۱۳ اسفند به تهران مراجعت کرد و جریان مذاکرات لندن را به تفصیل ولی مشاوران دولت و اعضای هیئت مختلط در میان گذاشت ولی نتوانست نظرات را از راه برقراری قبول نبودن شرایط پیشنهادی تغییر دهد.

دکتر مصدق سوکمیسیونیی از اعضای هیئت مختلط و مشاوران دولت تشکیل داد که آخرین وضع پیشنهادی بانک را مورد بررسی قرار دهند و از قرآئینی که در دست هست معلوم می‌گردد که وی شخصاً "مایل بسود راهی برای سازش با بانک پیدا شود و اگر بانک آمادگی بیشتری برای رفع اشکالات دولت نشان می‌داد ممکن

بود مذاکرات به نتیجه برسد. ولی بدیهی است که علت اصلی عدم آمادگی بانک سختگیری‌های دولت انگلیس و شرکت نفت بود. بعضی چنین اظهار نظر کرده اند که دکتر مصدق از ابتدا تعدد در رد پیشنهادهای بانک داشت ولی برعکس حقیقت امر اینست که سسه او حتی الامکان می‌خواست نظر مشاوران را به سمت موافقت با نمایندگان بانک سوق دهد. عبارتی که در زیر نقل می‌شود حتی ممکن است حمل بر قصد اعمال نفوذ از طرف او به نفع قبول پیشنهاد بانک شود. صورت جلسه مذاکراتی که روز ۱۸ اسفند در منزل نخست وزیر با حضور اعضای سوکمیسیون پیرا مونس گزارش برودم صورت گرفت چنین می‌گوید:

"در باره گزارشی که قرائت شد مذاکرات مفصلی بعمل آمد. نخست وزیر در خاتمه بحث و مذاکرات گفتند که اگر مهندس حسینی که با پیشنهادها این‌ها مخالف هستند راه حلی دارند بگویند. اینطور که بنظر می‌رسد یا با دیدن آمریکا می‌تواند و با بانک بین المللی قضیه را حل کرد یا بعداً با خود انگلیسی‌ها و شق سوم هم اینست که صنعت نفت را تقریباً بخوابانیم چون در ظرف ده ماه حتی یک قطره هم نتوانستیم مادرکنیم یعنی نگذاشتند. در آتی هم اگر بتوانیم به مقدار بسیار کمی خواهیم بود. اگر وضع بی پولی و بی‌کساری ادامه یابد بیم خطر برای مملکت می‌رود. اگر مهندس حسینی راهی بنظرشان می‌رسد بگویند چون ایشان ساکت ماندند قرار شد که سوکمیسیون تشکیل و با آمریکا می‌تواند آخرین مذاکرات را نموده سعی کنند تا حد بریده شدن مذاکرات در قبولاندن نظریات دولت یا فشاری نمایند."

ولی بالاخره سوکمیسیون چون نتوانست موافقت نمایندگان بانک را با نظریات اساسی ایران جلب کند مذاکرات را قطع کرد و دکتر مصدق با تأکید تصمیم سوکمیسیون قبول پیشنهادها یا بانک را مناقشی استقلال کشور تلقی نمود. بعضی کسانی که به بحث در باره وقایع گذشته و قضایات در مورد جریان تهران می‌بردند اقدام دکتر مصدق را در رد پیشنهادهای بانک مورد انتقاد قرار می‌دهند و چنین اظهار نظر می‌کنند که پیشنهادها با بهترین وسیله تاسیس شرایط ملی کردن نفت و خاتمه دادن به اختلاف بود و نمی‌بایست رد می‌شد. بنظر نگارنده این تعبیر مطلقاً ناموجه و ناشی از عدم توجه به کیفیت شرایط پیشنهادی بانک است.

اینک ما محتویات طرح پیشنهادی بانک را با ذکر نظریات نمایندگان ایران را در برقراری قبول نبودن آن شرح می‌دهیم.

۱- دستگاه مدیریت

بانک با پیروی از نظر شرکت نفت و دولت انگلیس لازم می‌دانست یک دستگاه مدیریت تحت نظارت خود برقرار کند. و چون بنا بر تجدید بهره برداری به میزان حداکثر می‌گذاشت می‌خواست بین ۵۰۰ و ۱۰۰۰ نفر کارشناس خارجی استخدام کند که تعدادی از آن‌ها از کارمندان شرکت سابق باشند. بانک نظر نمایندگان ایران را در باره اینک در وهله اول بهره برداری به میزانی که نیازمندی ایران را رفع کند یعنی سالی ده میلیون تن کفایت خواهد کرد و تولید در این حدود به‌گواهی نمایندگان بانک برای کارشناسان ایرانی شرکت ملی ممکن خواهد بود تصدیق نمی‌کرد و مداخله خود را از لحاظ اقتصاد مستلزم ترتیب بهره برداری به مقیاس بزرگ می‌دانست. همچنین در مورد مخالفت ایران با استخدام انگلیسی‌ها اظهار می‌کرد که سسه از طرفی کمبود کارشناسان نفتی در سطح جهانی استفاده از انگلیسی‌ها را مخصوصاً به علت سابقه آن‌ها در صنعت نفت ایران ایجاب می‌کند و از طرفی هم در حال ما هیئت بین المللی بانک مانع از آنست که در مورد عملی که به نام بانک اجرا می‌شود تبعیض یکسانی از کشورهای عضو بانک از امکان شرکت در آن عمل محروم شوند. نمایندگان ایران اظهار می‌کردند ایجاب چنین دستگاهی شرط قرار گرفتن عملیات در دست ایران راتا مین نخواهد کرد. زیرا مدیریت بر طبق قانون ملی شدن باید در دست شرکت ملی باشد نه در دست یک سازمان خارجی. مخالفت ایران با استخدام کارمندان انگلیسی شرکت سابق نیز از جهت بود که کارمندان مزبور از قبول استخدام در شرکت ملی استنکاف کرده بودند. ولی ایران موافق بود با اینکه بانک در حدود ۲۰۰ نفر از اتباع انگلیسی را که سابقه خدمت در ایران نداشته باشند استخدام کند. در هر حال به علت این اختلاف نظرها در این مورد موافقت حاصل نگردید.

۲- فروش نفت

بانک پیشنهاد می‌کرد که دستگاه مدیریت با همکاری شرکت ملی نفت ایران نفت را به میزان قبل از ملی شدن تولید کرده و به بانک تحویل دهد و بانک آن را به نرخیکه قبلاً تعیین شده باشد بخریدار عمده (در واقع به شرکت سابق) بفروشد. دولت ایران می‌خواست به شرکت مزبور مقدار تولید (ده میلیون تن در سال) را بخرد مستقیماً آزادانه بفروشد و به این ترتیب وارد بازارهای جهان شود. اما بانک فقط موافقت می‌کرد که دولت ایران بتواند یک سهم تولید را آن همنه به نرخیکه با خریدار عمده معامله می‌شد بلکه به نرخ خلیج فارس یعنی بدون تخفیف (که ممکن نبود مشتری برای آن پیدا شود) بفروشد. بدیهی است که این شرط برای ایران قابل قبول نبود زیرا غرض از آن این بود که دولت ایران نتواند هیچ مقدار از نفت تولیدی را در بازارها عرضه کند.

بیانیه گروهی از طلاب مشهد علیه روحانیت پرهیزگار

تهران:

آزادی يك زندانی فرانسوی

آگاه دربارین آزادی دو کسروگان فرانسوی را بعنوان سانه حسن نیست رژیم تهران در زمانی تعبیری کند که مرحله حاسی از مذاکرات دربارین آغاز شده است. زمینه این مذاکرات رایگی از شرایط آدمربانان حزب اللند در لبنان تشکیل می دهد که عیسار است از آزادی و روبری هائی که در سیرانه ۱۳۵۹ هجری شمسی باورخنیبار رهبر بیعت مقام ملی ایران سید خد کردند و سوز "آسی تقاس رهبر گروه" اسی سوطنه دو فرکنسه (یک بلین فرانسویک زن است) بحالی کد است.

هیئت دهمفره جمهوری اسلامی بدربررسی مهدی سوات معاون وزارت دارائی جمهوری اسلامی و سیربانی رژیم تهران در آلمان فدرال بدبارین آمده است. سانسدگاسی از بانک مرکزی، سازمان اسری اسری وزارت امور خارجه اسلامی در این هیئت شرکت دارند.

مرحله اول مذاکرات نس فرانس و جمهوری اسلامی در مورد باربردا حد و ام یک سلبا رد دلاری در خدا دما دما اعزام نیسی فرانسوی به تهران آغاز شد. همزمان با این مذاکرات مسعود رجوی مسئول سازمان محافدی ملی، نجیب سار دولت فرانس این کشور را سوسی عراقی ترک گفت.

خبرگزاری فرانس - ۲۶ ژوئن ۱۹۸۶

به گزارش خبرگزاری فرانس مرحله دوم مذاکرات فرانس و جمهوری اسلامی برای غادی سازی روابط دو کشور در سیربانی ۲۶ ژوئن در سیربانی کاترینا دربارین آغاز شد و همزمان با آن "ژان اوبالیرسی" مسئول نیسی "فرانس" در فرودگاه کاترینا تهران آزاد شد.

وزارت امور خارجه فرانس در روز سانسد کرد که آزادی "ژان اوبالیرسی" سالی از داده مذاکرات نیسی و تهران است.

وزارت امور خارجه فرانس اعلام کرد که بدون تردید روند مذاکرات نیسی فرانس و جمهوری اسلامی، آزادی "آلبرسی" را تسهیل کرده است.

آزادی وی ۵ روز پس از آزادی دو کسروگان دیگر نیسی نیلسون روسو رونسند - سگار و زرها نیسی، عدا سسرادر نیلسون گاسال ۲ فرانس صورت گرفت.

ژان اوبالیرسی "مسئول نیسی" از فرانس در فرودگاه سیربانی بدجرم دار کردن مرکز سانسد یکسال رسد و سلات محکوم شده بود.

آزادی وی، که مخالف آگاه فرانس از حده نیسی سطران بود، در روز چهارشنبه ۲۵ ژوئن هم زمان با حرکت نیسی جمهوری اسلامی سدوی سارس رخ داد.

خبرگزاری فرانس می سوسد: با طران

پیامبران کذاب

بقیه از صفحه ۷

ما لیاات اجباری در پاکستان قرار داده و از حقوق کارمندان دولت بعنوان زکات هر ماه مبلغی خود بخود کسری شود. در میان همه دولت های اسلامی جهان، تنها پاکستان و ایرانند که معیارهای اسلامی همان بکار می برند. دانشگاهیان غیرمسلمان، بویژه مردم شناسان ایشان، بر آنند که درجهان، نه یک اسلام کسه چندین اسلام وجود دارد. بفرض آنکه این فرضیه واقعیت داشته باشد بازبین مثلا "اسلام اندونزیایی و اسلام مراکشی زیر بنای مشترکی وجود دارد که از فرانسوی کلیدی چون نماز و روزه و حج و نیز از حس شدید همبستگی بدلیل تعلق داشتن به امتی واحد، بوجود آمده است.

هسته اسلام، روبرو شدن مؤمن است با خدای متعال، و تقطه قوت وهم ضعف این مذهب در همین جاست، نقطه ضعیف آن که ما اینها بشر به واسطه ای میان خود و خدای خود نیاز داریم. شاید بگویند که دین اسلام در مساله توحید راه عراق پیموده است. شیعیان، امام را به مثابه واسطه شفیع پذیرفته اند، اما سنیان که ۹۰٪ از کل مسلمانان جهانند، از این اعتقاد سرباز زده اند. با این همه، آنان نیز به نوبه خود عمل شفاعت و وساطت را از راه پرستش مقدسین یا شرکت در طریقت های "اخوانیسی" پذیرفته اند.

عرفانی را در پیش گرفته اند و برخی صرق زمینی تری چون عقوبت دلزله های فرا ما سونی یا حتی در شاگه روستای را برگزیده اند. هم آنان وهم اینان در ترسیم منظره انسان مسلمان امروزی شرکت دارند، هر چند در مقایسه با اسلام قرآنی، واپسگرا و ارتجاعی شمرده شوند.

خوشبختانه در جنب تفنگ بدوشانی که برجسته های غیرانسانی مذهب تکیسه می کنند، هستند احیا کنندگانی که نزد آنان معیار مسلمانان، عمق و غنای روحانی و ایمانی است. جنبش "تبلیغ" که هم اکنون در هندوستان پا گرفته است، مهمترین جنبش اسلامی جهان است. و امروزه در بسیاری از نقاط جهان ریشه دوانیده است. اصول اساسی آن شهادت، شناخت و ذکر خدا، احسان، احتیاط و سبب به مسلمانان دیگر، باکی نیست، و صرف مال و جان در راه ترویج ایمان است. تا زمانی که جنبش های درکار باشند اسلام امیل زنده خواهد ماند.

کوتاه شده از مجله "ژون آفریک"

با توجه به آنچه گفته شد، درمی یابیم که اصول یا "ارگان" قرآنی بیرون از شمار نیست، اما به همین گونه و مقدار که هستند نیز برای پر کردن زندگی مؤمنان کافی و غنی است، اما دشواری کار در آن است که امروزه مسلمانان را به کتاب آسمانی خود دسترسی نیست. از یک سو همواره از ترجمه "سخن خدا" به زبانی غیر از زبان عربی آگراه دارند، و از سوی دیگر حدود ده ها میلیون تن از مسلمانان بیسوادند. در چنین شرایطی، بس دشوار است با کتاب مقدس آمیخته و آمیخته شدن. عده کثیری از مردم جز آنچه از سخنرانیهای رادیویی یا تلویزیونی می شنوند از قرآن و اسلام نمی دانند.

اما همه مشکل این نیست. در روزگار نوین امروزین اجرا کردن همه آداب مذهبی همواره آسان نیست، مانند ۵ نوبت نماز که در سراسر طول روز آسپیده سحر تا سیهایی شب پراکنده است. اما در اینجا نیز راه عراق نبوتیسم. مسلمان مؤمن می تواند در هر کجا که پیش آید نماز بخواند: در کناره راه، در کارخانه، و در هواپیما، و رسم روی آوردن بجانب مکه یا شناختن قبله که هر مسلماننی باید به هنگام نماز آن را بجای آورد، خود مظهری است از اتحاد استوار و پایداری میان افراد امت.

به همین قیاس، اندکند مسلمانانی که در دوره ای از عمر خود روزه نگرفته باشند. حتی در میان بی اعتقادترین مسلمانان نیز اندکند کسانی که در لحظه ای از عمر خود به وسوسه گزاردن حج گرفتار نشده باشند. بعلاوه، تعداد از ایشان خانه خدا هر بار افزایش می یابد. در سال ۱۹۸۵ تعداد حج خداتل دو میلیون تن بوده است.

زکات، مالیات مذهبی ای است که مؤمن برای پاک کردن دارایی این جهاننی خود می پردازد. مسلمان تنها در صورتی می تواند زکات را بی خود بهره مند گردد که بخشی از آن را به خدا اختصاص دهد. زکات به همه مسلمانان که سود دارایی شان از حد قابل مشخصی بیشتر باشد تعلق میگیرد. شمار بسیاری از مسلمانان که زکات برایشان واجب می شود، دا طلبانند یا رمی پردازند.

مسلمانان آنقدر به درستی زکات را اعتقاد دارند و چنان در برابر آن بی چون و چرا تسلیمند که ضیاء الحقیق رئیس جمهوری پاکستان آن را به گونه

بگذارد. پس ۱۲ محرم می رسد تا فقط روزه بخواند... (این ها) هیچ وقت مسئولیت زنده را نمی پذیرند. زمان غیبت کبری در مورد مسئولیت های محرز ولی خطرناک، فوراً "براهت" جاری می کنند و هنگام توجیه می گویند: "از نظر شرعی اش باید احتیاط کرد، تا خود آقا تشریف بیاورند... وقتی هم که خود آقا تشریف بیاورند، می گویند، از کجا معلوم که شما خود آقا باشید؟! آقا که اهل خونریزی نباشید... آن وقت این تیغ مبارک آقا و شمشیر انتقام ولایت است که روی شا هرگشان می درخشد و نهری از خون آخوندی دین راه می اندازند.

این طلاب لشکر نصر، با زهم به روحانیانی که با آن ها موافق نیستند چنین می تا زنند:

تردید نیست که سایه انگشت "رفقا" ی طرا ز نوین حزب شده در این ما نیفتست "حسینی" در از تر آن است که به چشم کسی نیاید. از بندیند آن بوی واژگان مصلح برجای مانده، "رفقا" متعاضد است. به این تکه دیگر "سیاه مشق" طلاب حسینی توجه کنید. می نویسند: "گذشت آن روزی که در رختخواب با روی پای انداختند و در ثواب شهید ا شریک می شدند. نمی شود در باره یا در زندگان اسلام صلوات فرستاد، اما معنی سیاه شدن انگشتان رادر سرمای پایگاه های قلل گوردستان نفهمید. اگر ریش بگذاری و بیکر تا زیر چانه دگمه کنی و راست راست در حوزه یا دانشگاه راه بروی و جنگ جنگ تا پیروزی بگویی، اما در محاصره دشمن نیفتی و جنازه برادرت را پنج ساعت کول نکنی، مذهبی نیستی... صداقت در سینه ای نهفته است که با ترکی از هم بیاشد...

خلاصه کلام آنست که ای مردم همه شما، از هرس و جنس و قشر و طبقه ای که هستید، باید در پاری هوس های اهریمنی امام عزیز امت قربانی شوید تا آدمیزاد به حساب بیاید. همه با هم بیایید و خودتان و همه این سرزمین واژگون بخت را به خون و آتش بکشید. "رفقا" گوش خوابانده اند در انتظار آن فرصت طلائی نشسته اند. خودشان هم هر وقت لازم باشد ترتیب "ظهور" ما زمانست را می دهند که گویا باید برقی تیغ مبارکش بر روی شا هرگ ها بدرخشد.

طلاب حسینی مستقر در لشکر ۵ نصر در نیفتست خود، خودشان را می شناسند و میخان را بازمی کنند، و حیفاست که شما نیز آن ها را شناسید.

گروهی از "طلاب حوزه علمیه مشهد" که در لشکر پنجم نصر مستقر شده اند تا راه کربلا و قدس را بگشایند، با یک ما نیفتست شبه کمونیستی آخوندی، که در چند شماره پیاپی کیهان چاپ تهران به چاپ رسیده است، قبل از همه حساب خودشان را با گروه ها و قشر های دیگر صاف می کنند، و در باره مجاهدین و فدائیان می نویسند:

"به ملاک های عقیدتی در خط مشی مبارزاتی حتی فکر هم نکنید. به همه فحش خواهد مادر بدهید. اجراء قرار کنید، نیم ساعت بعد اشعاب کنید... سبانه نور را بیخ فک تا به جوانان حماسی نشان دهید و وقتش که رسید آن را تف کنید یا زیر دندان آنان بگذارید... غافل از آنکه این فرهنگ شامت کسه باید سبانه نور بخورد نه شما...."

روحانیون صلح طلب و طرفدار تفکیک دین از سیاست نیز نه تنها در این تسویه حساب بی نیابت نمی مانند، بلکه سبیلی بیشتر و چنانچه تری از دیگران می خوردند و همین جاست که سبب اصلی صدور این ما نیفتست روشن می شود: نیسردی کینه توزانه میان دو جناح از آخوندهای حاکم و بقول خودشان گروه های "حسینی و" طلاب مشهدی مستقر در لشکر ۵ نصر، که خودشان را "حسینی" تراز "حسین بن علی" نشان می دهند آخوندهای "حسینی" را حتی "بی دین" می نامند و می نویسند: "... این بی دین های موسوم به "ولایتی"، با آن عمامه های ۲۵ متری و منزه های ۲ گرمی و سینه های تنگی که گنجایش آلمان های مترقی ولایتی را ندارد فکر نکنند که می توان آروغ زد. و برای اهل بیت بخشنده ماد رکورد ۱۱۱ گذشت آن روزی که تنبلی و عاقبت طلبی و تن پروری خود را به نام "اشع" توجیه می کردند. گذشت آن روزی که چشم در چشم سیدالشهدا می ایستادند و تسبیح می چرخاندند و ۵ ساعت دلیل شرعی و عقلی می آوردند که آقا خونریزی و آدم کشی... راه نیبند از یاد، اشکال شرعی دارد... پس از آن حمله و این شهید، طلاب مستقر در لشکر ۵ نصر، برای آنکه در دست حسابی پنبه "سادات حسینی" را بزنند که شا بددیگر از زمین بلند نشوند، شلاق تکفیر خود را در هوا می چرخاندند و می نویسند:

"یک ولایتی (یعنی کسی که ولایت را مطلقا از امام غایب می شناسد) خوب می داند که اگر دهه محرم به منطقه وارد شود باید شمشیر مایه

۷۳ مورد قصاص:

داستان قصاب!

شماره ۱

در اکتبر سال ۱۹۸۴ میلادی روزنامه صبح برای نخستین بار خبر صدور حکم قصاص علیه سوخر با سوسریم روز رهای را منتشر کرد.

در آن زمان روزنامه های صبح کسرال دولت تهران، نوشتند که احیاء مراسم اجرای حکم قصاص از سوسریم نخست خواهد شد و در همان موقع گزارشی که گشتی روز رهای سوخر ۲۴ ساله با یک ۲ نرد دیگر هم های حسینی ترین را در سنان های اطراف تهران کور کرده و در مورد اجرای حکم از آیت اللند حسینی تر حرام خواهد بود. اما حسینی اردخالت در این ماجرا خود را می کرد.

اما بدست آس کوزان هادیگر حسینی در باره اجرای حکم مستتر سبب و حسنی صدور مرتبه که مقام جمهوری اسلامی مستور طبقه ای از انجمن سانی با مظلومان سردر خراج، از اجرای حکم ممانعت کرده اند.

اما اکنون حده اسلام سرع مسامدی دادستان تهران در تلویزیون دولتی اعلام کرد که در ۷۳ حکم محاصرات قصاصی که از سوی دادگاه های صرع صادر

شده است ۲۳ مورد از جمله یک مسورد سکار سحره ترک بدجرم زنا، و ۶ مورد نط انگسان دست بدجرم دردی، با دستگاہ برنی، بد اجرا در آمده است.

حده اسلام سرع مسامدی افزود: از آنجا که دشمنان اسلام در حال سبب سلسله خود علیه ما اذیت خواهند داد، سنان نکاد داعس این احکام تا سده ای ندارد.

در مورد سانسور آزادی وی گفت: او نعمتم گرفت تنها یک جسم سوسریم را کور کرد تا سواند برای جسم دیگر مطالبه ضار بمانی کند. دادستان تهران بلویحا "گفت که زن مذکور بدست خود یک جسم سوسریم را کور کرده است.

این روح کده از ای بدجده هستند استک ساید بگرردگی می کنند.

روزنامه جمهوری اسلامی همچنین اجرا" مورد مردی را در ج کرده که بد هنگام اجرای حکم سکار سوسریم از مپلک بگررد. وی قبل از آن که موفقی به قرار شود، ۸۰ ضربه سنگ خورده بود. یک مقام صری جمهوری اسلامی در این باره گفت: اگر برای سحریم خود عشاق کرده باشد چنانچه هنگام اجرای حکم موفقی به قرار شود می توانست از مجازات سکار رهایی یابد، اما چنانچه بدجرم خود اعتراف نکرده باشد یا دیگر دسکیر وسکار خواهد شد.

هزیر سوسریمان - سانسور لندن - ۲۹ ژوئن

درگیری حزب

جمهوری و اتاق بازرگانی

جدال و درگیری میان دولت اسلامی و هیئت رئیسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن که ناشی از گرایش های اقتصادی متضاد در میان وابستگان به جمهوری اسلامی است، اخیراً "با درج مقاله ای زیر عنوان " اتاق بازرگانی بی صنایع و معادن " در روزنامه جمهوری اسلامی، انعکاس یافت.

در این مقاله، روزنامه ضمن متهم ساختن اتاق بازرگانی به باج خواهی از دولت اسلامی، می نویسد: اتاق بازرگانی دربرگیرنده همه بخش خصوصی نیست و می افزاید: "آیا جای آن هست که مسئولین اتاق بازرگانی خود را بلندگوی بخش خصوصی کشور قلمداد کرده و از حساب " مشارکت مردم " یا بخش خصوصی خرج کنند. قطعاً نه! و پیشنهادها دهائی که از سوی اتاق بازرگانی ما درمی شود چیزی نیست که همه اعضای تحت پوشش این اتاق پذیرفته باشند و اصولاً پیشنهادها و قطعنامه های از این دست را تنها بعنوان نقطه نظرهای هیئت رئیسه اتاق می توان تلقی کرد."

روزنامه جمهوری اسلامی با اشاره به یکی از قطعنامه های اخیر اتاق بازرگانی می نویسد: "در این قطعنامه هیچ نقشی به تولید و معادن صنایع و معادن داده نشده و هرچه هست برحول و حوش تجارت و دلار می گردد. مسئولین اتاق بازرگانی درخواست های را مطرح ساخته اند که گویا کلید نجات اقتصاد کشور را بدست دارند و شایدهمین ذهنیت های غلط منجر به این شده است که مسئولین اتاق بازرگانی با چنین صراحتی از دولت و انقلاب اینگونه باج خواهی کنند."

با آوری می شود، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن توسط تحولات اسلامی به ریاست علی نقی خاموشی اداره میشود. اتاق بازرگانی در تهران و شهرستانها، دارای شبکه ای بهم پیوسته است و گرچه در ظاهر نقش اجرائی در دولت ندارد، همه امور تجارت، از جمله صدور کارت بازرگانی از مجرای آن صورت می گیرد. در یکی از گردهمائی های اخیر اتاق بازرگانی، علی نقی خاموشی رئیس هیئت مدیره اتاق بازرگانی هشدار داده بود که با ادامه وضع اقتصادی فعلی و ادامه رونق تعطیل واحدهای تولیدی، شما ربیکا را در جمهوری اسلامی به مرز چهار میلیون خواهید رسید که با احتساب خانواده های ربیکا را بزرودی ۱۶ میلیون نفری با فقدان درآمد روبرو خواهد شد.

از سوی دیگر، وجود دیدگاه های مختلف و متضاد میان دست اندکاران دولت اسلامی و گردانندگان اتاق های بازرگانی که نمایندگانی هم در مجلس شورای اسلامی دارند، این حدس را تقویت می کند که دولت اسلامی می خواهد اتاق های بازرگانی را همان گونه که با سازمان نظام پزشکی برخورد کرد، برخورد کند، یعنی با تصفیه هیئت رئیسه آن و گماردن افراد نزدیک و متمایل به دولت، امور اتاق بازرگانی را در دست بگیرد. زیرا گردانندگان فعلی اتاق بازرگانی که یکی از اعضای مؤثر آن حبیب الله عسگر اولادی وزیر پیشین بازرگانی است به شدت با سیاست های اقتصادی دولت اسلامی به ویژه در زمینه ما در اتا واردات مخالف است و دولت اسلامی به نوبه خود ترکیب هیئت رئیسه اتاق را مزاحم خود تلقی می کند.

سوریه - عراق

واشنگتن پست در گزارشی زیر عنوان " جمهوری اسلامی برای پیش گیری از آشتی سوریه و عراق، اهرم نفت را به کار می برد "، به نقل از دیپلمات های عرب و غربی می نویسد:

جمهوری اسلامی، نفت را برای سوریه را از سر گرفته است، زیرا بر آن است که از آشتی دمشق - بغداد گسسته از پشتیبانی جهان عرب برخوردار است، مانع از عمل آورد، اما در این میان، منابع سوری خاطرنشان ساختند که حافظ اسد به رغم لغو برناخته ملاقات وزیران امور خارجه سوریه و عراق در آخرین لحظه در روز جمعه گذشته، با اصل آشتی با بغداد مخالفت نوزیدیه است.

واشنگتن پست می نویسد: روابط گرم میان دمشق و بغداد، می تواند سر نوشت جنگ شش ساله خلیج فارس را دگرگون سازد و نیز می تواند کلید حل مشکل برگزاری کنفرانس سران عرب گردد.

روزنامه امریکائی در ادامه گزارش خود می نویسد: سوریه و عراق، دلیل لغو آخرین لحظه برناخته ملاقات وزیران خارجه خود را اعلام نکردند، اما دیپلمات ها و تحلیل گران عرب و غربی اظهار می دارند که سوریه ترتیب نفتی جدید جمهوری اسلامی را احتمالاً " برای دریافت پول بیشتر از عربستان سعودی و دیگر کشورهای ثروتمند عرب در برابر بهبود روابطش با عراق به کار می برد. منابع سوری گفته اند میزان تحویل مجدد نفت از سوی رژیم تهران به دمشق، به خودی خود برای پیش گیری آشتی عراق - سوریه کافی نیست و سوریه هنوز برای سامان دادن به اقتصادش و بیمارش، به پول های کلان نیاز دارد که تنها عربستان سعودی و چند کشور ثروتمند عرب دیگری می توانند به آن پرداخت کنند.

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴۰ فرانك فرانسه -

شش ماهه ۱۲۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

ما بایلم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال () به مبلغ () فرانك فرانسه به حساب بانکی نشریه () به حساب پستی نشریه () حواله قبض رسید به ضمیمه ارسال می گردد.

تاریخ امضاء

(علاقه مندان که قادر به پرداخت وجه اشتراك نیستند، می توانند بوسیله ما بنویسند تا وجه اشتراك آنها از محل کمک های دیگران تاءمین شود)

شماره حساب پستی:

QYAM IRAN
C.C.P No: 2400118/E
PARIS

شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

تلفن خبری

همه شبها عزیز!

هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران شماره در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد. شماره تلفن: ۸۵ - ۸۵ - ۲۶ - ۲۲ پاریس

بقیه از صفحه ۹

۳ - مسئله قیمت

در تاریخ مذاکرات با بانک جهانی قیمت نفت خلیج فارس بشکله ای ۱۷۵ سنت بود اگر بر طبق رژیم پنجاه پنجاه معمول در سایر کشورها عمل می شد عایدی ایران بالغ بر نصف درآمد خالص (قیمت منتهای بشکله ای ۳۰ سنت هزینه عملیات تقسیم برد) یعنی بشکله ای ۲۲/۵۰ سنت می گردید. دولت ایران اصولاً معامله با خریدار بر اساس تقسیم درآمد نمی پذیرفت بلکه می خواست معامله مبنی بر فروش با تخفیف مناسبتی در قیمت باشد و در حدود ۲۰ درصد تخفیف قائل شود. یعنی نفت را به نرخ بشکله ای ۱۴۰ سنت به خریدار تحویل دهد که در آن صورت عایدی ایران بالغ بر بشکله ای ۱۱۰ سنت می شد اما بانک بشکله ای ۵۸ سنت (۲۳ درصد) تخفیف می خواست یعنی پیشنهاد می کرد که قیمت را به نرخ بشکله ای ۱۱۷ سنت برای فروش به خریدار عمده از شرکت ملی تحویل بگیرد که در آن صورت درآمد خالص دولت بالغ بر بشکله ای ۸۷ سنت می شد ولی بانک می خواست از این مبلغ ۲۷ سنت به عنوان سپرده گرامت نگاه دارد که با نتیجه درآمد ایران به بشکله ای ۵۰ سنت تنزل می یافت. نمایندگان ایران نه به اصل تصفیه درآمد تسلیم می شدند نه حاضر بودند ۳۳ درصد تخفیف قائل شوند. در مورد نفت تصفیه شده نیز دولت حاضر بود آن را با تخفیف ۲۵ درصد از نرخ متوسط خلیج مکزیک یعنی بشکله ای ۲۰۶ سنت بفروشد. ولی بانک پیشنهاد می نمود که بهای نفت تصفیه شده بر اساس همان بهای تخفیف یافته نفت خام با اضافه بشکله ای ۵۰ سنت از بابت هزینه تصفیه ۳۰ سنت حق العمل حساب شود که نتیجه آن بشکله ای ۱۷۰ سنت می شد (۱۱۷ + ۵۰) در صورتی که نرخ متوسط خلیج مکزیک ۲۷۵ سنت بود و به این ترتیب بانک تقریباً ۴۰ درصد تخفیف می خواست.

۳۰

مصدق

نهضت ملی ایران درکشاکی چپ و راست

پیشنهاد های مخالف استقلال ملی

رادیو محلی نهضت - واشنگتن

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران تا حدی واشنگتن - ویرجینیا - مریلند یکشنبه ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مداروی موج متوسط ۱۲۵۰ - رادیو W.O.I.

نشانی پستی شاخه های

نهضت مقاومت ملی ایران در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R.
Postfach 121007
8000 MUNCHEN 12
W. Germany
آلمان فدرال

N.A.M.I.R.
Postfach 523
1171 WIEN
AUSTRIA
اتریش

PO BOX 57278
WASHINGTON, D.C. 20037
U.S.A
امریکا

N.A.M.I.R.
PO BOX 313
LONDON W 2-4QX
ENGLAND
انگلستان

PO BOX 130
14600 TULLINGE
SWEDEN
سوئد

TBS - MO 85
117/118 MAKER CHAMBER (V)
NARIMAN POINT
BOMBAY 400021
INDIA
هند

NEHZAT
P.B. 246
3230 AE BRIELLE
HOLLAND
هلند

A.CH
APARTADO CORREOS 50432
MADRID SPAEN
اسپانیا

NAMIR
PB-1002
STN. B. WILLODALE ONT
M2K 2T6 CANADA
کانادا

M.R.N.I CASELLA
POSTALE 24
TORINO CENTRO
ITALIA
ایتالیا

رادیو ایران ساعت های پخش برنامه

ساعت ۷:۳۰ - ۸:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۸:۳۰ - ۹:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۹:۳۰ - ۱۰:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۱۰:۳۰ - ۱۱:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۱۱:۳۰ - ۱۲:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۱۲:۳۰ - ۱:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۱:۳۰ - ۲:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۲:۳۰ - ۳:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۳:۳۰ - ۴:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۴:۳۰ - ۵:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۵:۳۰ - ۶:۳۰ رادیو موج گویا
ساعت ۶:۳۰ - ۷:۳۰ رادیو موج گویا

سرنوشت

گروگانهای امریکایی

رابرت دورنان نماینده مجلس آمریکا، که به منظور تلاش برای آزادی گروگانهای آمریکا که در لبنان اسیرند، به سوریه رفته است روز ۲۹ ژوئن در دمشق با فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه دیدار و گفتگو کرد.

منابع دیپلماتیک غربی گفتند رابرت دورنان، تقاضای آزادی رابا امضاء ۲۴۷ تن از اعضای مجلس نمایندگان آمریکا که طی آن از حافظ اسد خواستهاند برای آزادی ۵ گروگان آمریکایی با درمیانهای کند، تسلیم فاروق الشرع کرد.

منابع رسمی سوریه اعلام کردند دیدار نماینده مجلس آمریکا با وزیر امور خارجه سوریه که در حضور سفیر آمریکا انجام شد به مدت یک ساعت بطول انجامید.

دستیار رابرت دورنان، اظهار داشت به احتمال قوی گروگانهای آمریکایی در دست مسلمانان افراطی که از جمهوری اسلامی دستوری گیرند در دره بقاع که تحت اشغال سوریه قرار دارد، اسیر هستند.

رابرت دورنان، که روز جمعه وارد دمشق شد قرار است امروز ۳۰ ژوئن پایتخت سوریه را ترک کند.

توفان خاموش

گزارشهای عناصر ملی ازدرون جامعه ایران می گوید: جنگ در همه جبههها با رژیم صدامی خمینی، گام به گام، پیش می رود.

مقاومت، بی فریاد است، اما از درون کانون خانواده تا بطن جامعه کشیده شده است و هیچ قدرت مسلحی قادر به پیشگیری از آن نیست.

تحلیل همپیمانان رابه بخشهایی از این تحلیل اجتماعی جلب می کنیم: در حالی که رژیم، در عین ناتوانی تر شدن، فضای جامعه را با بانگ هیاهو پر می کند، موج مقاومت ملی بی صدا به هر سو گسترش می یابد و تا اعماق و زوایای مملکت پیش می رود.

بی چند و چون، هر دهان بسته می، هزار فریاد است و هر نگاره خاموشی، حکایت یک خشم است.

انقلاب اسلامی، بسیاری از زیربناهای جامعه ایران را برانداخت یا دستخوش آنهاست. قرار داد، اما واکنش در برابر همین انقلاب، یک تجدید حیات فرهنگی ژرف و آینده ساز به بار آورده است.

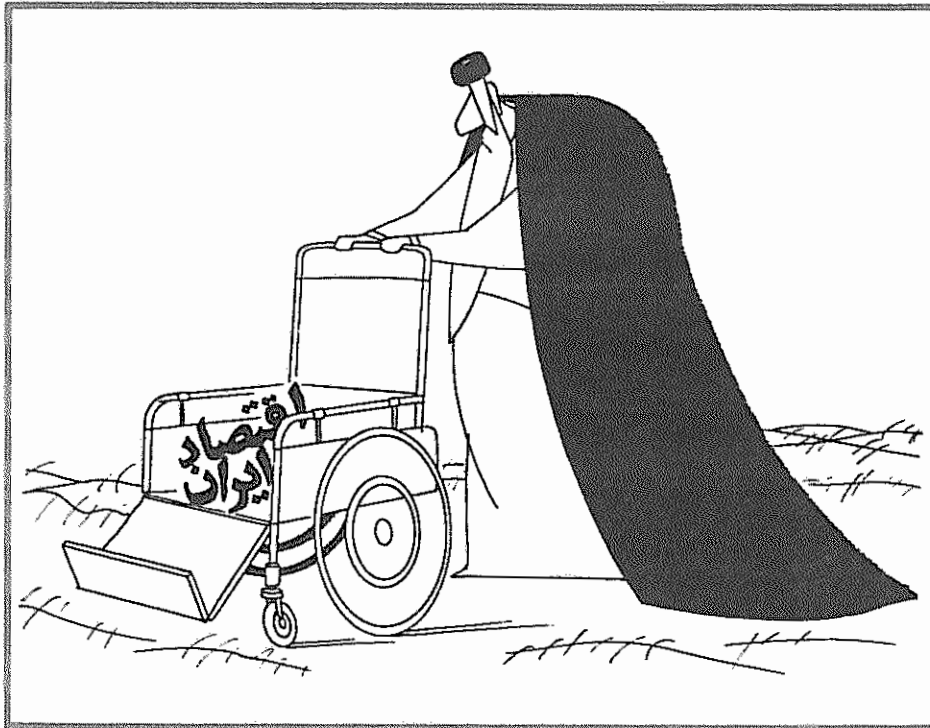
به کلام دیگر، آگاهی جامعه ایران، در این شبهای سیاه انقلاب، ره صدساله رفته است.

این چنین، قدرت و مومنیت جامعه در برابر خطرهای حال و آینده چندین برابر شده است. دیگر این جامعه، آن جامعه بی نیست که به هر درش کسه بخوانند بی خبر بود. مردم به سلاح فرهنگی مجهز شده اند و از حیث ذهنی، خود را برای آینده بزرگ ایران بزرگ آماده ساخته اند. تواناییهای روحی آن هادراین سالهای رنج و شکنج افزایش یافته است، و از این مهم تر، به چیزی کمتر از حاکمیت ملی خشنود نمی شوند.

آگاهی فرهنگی و بلوغ سیاسی، اراده این مردم را راسخ و مقاوم تا پذیر ساخت است. آن هادشرایط اختناق، در خموشیهای خود درگیر و در رنج و غم هر روزه اندیشه می کنند و در پیج و تابهای روزمره سیاست، در پرتو همین بلوغ و آگاهی، سرهرا از ناسره، به خوبی تشخیص می دهند. روشن بینی و بیداری، امروزه مشخصه های اول جامعه ایرانی است. مردم می خواهند حکومت آینده آن هانیز تبلور همین روشن بینی و بیداری باشد.

یک میلیارد دلار ناقابل!

بقیه از صفحه ۱



با شدو چشمها بیشتر به بازی اودخته شود. اونی توانست بفهمد که قطع رابطه با آمریکا ایران را در معرض چه خطرهایی قرار می دهد. نمیتوانست بفهمد محاصره اقتصادی چه بلایی بر سر ایران می آورد. نمیتوانست بفهمد انزوای سیاسی یعنی چه. نمیتوانست بفهمد داشتن اعتبار بین المللی فایده اش چیست و زدست دادنش چه ضررهایی به بازی آورد. این را آخرش هم خمینی نفهمید و هنوز هم نمی فهمد و تا آخر عمر نخواهد فهمید چون خمینی محجور است. کسی است که در نیکی امروز را درک نمی کند و با مسائیل امروزی جهان بیگانه است. بعد از آنکه انتخابات آمریکا به شکست دمکراتها انجام میدورگان به ریاست جمهوری برگزیده شد اشخاصی از قبیل رفسنجانی که در خمینی نفوذ دارند و زبان او را می فهمند توانستند بهوی حالی کشته که باید بازی گروگانگیری را هر چه زودتر خاتمه دهد و الا زیربانش را جابوب خواهد کرد. کارشرو همکارانش همگی در خاطرات خود نوشته اند بعد از آنکه نتایج انتخابات آمریکا اعلام شد ناگهان آیت الله خمینی درهای بسته را گشود و پیام داد که حاضر است برای استرداد گروگانها مذاکره کند.

از آن پس، بخلاف گذشته او بود که می خواست هر چه زودتر و به هر قیمتی گروگانها را از سر باز کند. عاقبت نیز در مقابل آزادی پنجاه و دو گروگان که مثل قهرمانان به کشورشان بازگشتند و به انواع وسائل مادی و معنوی مسورد نوازش قرار گرفتند ایران علاوه بر تمام مصائبی که تا آن روز متحمل شده بود قرار داد منحوس الجزایر را بگردن گرفت.

ابوالحسن بنی مدرک درین زمان هنوز رئیس جمهوری بود می گوید ما وقتی فهمیدیم فرستادگان ویژه دولت زبیر چه قرار دادی دارند ماضی می گذارند و درمدم برآمدیم معنی چنین قرار دادی را به خمینی تفهیم کنیم و نگذا ریم زبیر با آن برود ولی خمینی که تا چند روز قبل حاضر نمی شد راجع به استخلاص گروگانها چیزی بنشودا کتون به دنده دیگری افتاده بود و حرفی را که ممکن بود مانع تسریع درآزادی گروگانها شود گوش نمی داد!

خاطراتشان را بنویسند و آن وقت می فهمیدیم داستان از چه قرار رسوده است.

بعد از آنکه سفارت آمریکا در تهران به تصرف دانشجویان خط امام درآمد و پنجاه و چند آمریکایی به اسارت گرفته شدند، در تمام عالم هیج خیرخواه مصلحت اندیشی باقی نماند که پنهان یا آشکار مفاصد چنین عملی را به حکومت ایران گوشزد نکند. هر کس هر چه گفت آیت الله نشنیده گرفت. اندر زها را با سخنان درشت جواب گفت. درهای گفت و شنود را در مورد گروگانها بست.

اختیار مذاکره را از همه مقامات رسمی سلب کرد. مطبوعات غربی که تشنه خبرهای هیجان انگیزند یک سال و چند ماه این حادثه را داغ نگهداشتند و آیت الله را در ادامه دیوانه بازی تشجیع کردند. خمینی به خیالش رسید فتح خیبر کرده و تنها اوست که میتواند آمریکاییها را گروگان بگیرد. در حالی که دود گروگانگیری اول بچشم خود او رفت. خمینی راتان زمان دنیا بظلمت یک تابغه و شخصیتی در ردیف گاندی یا لنین تصور میکرد. اهل عالم او را به چشم رهبریک انقلاب می نگریستند و اگر پرت و پلائی بسر زبانش جاری می شد آن راناشی از شور انقلابی خود او با انعکاسی از خشم انقلابی مردم ایران تلقی می کردند ولی از آن هم بعد همه دریا فتنه با دیوانه دیگری از قماش ژنرال "امین دادا" سرکار دارند.

البته پشت بازی گروگانگیری و اشغال سفارت آمریکا کسانی بودند که ستاریبی حساب شده بی رادرجهست هدفهای اربابان خارجی خود اداره می کردند ولی خمینی آلت دست آن ها بود. خمینی خودش نمی فهمید چه می کند. او مثل بازیگری که مجذوب نقش خودش بود و در نیکی واقعی را از یاد ببرد فقط به این مساله اهمیت میداد که نمایش گروگانگیری هر چه بیشتر روی صحنه

جماعتی از زردان شب بخانه یکی از اهالی کاشان رفتند و مشغول جمع کردن اثاث البیست شدند. زن صاحبخانه چند بار با آرنج به پهلوی شوهرش زد که بر خیزد و کاری بکند. مرد بیدار رسود ولی از ترس خودش را به خواب زده بود. زن ماء بوسانه به صدای مدور رفت دزدها و جمع آوری اسباب و اثاث گوش میکرد تا آنکه کارشان تمام شد و رها را بستند و عازم رفتن شدند. در این وقت با ردیگر به پهلوی شوهرش مثنی گفت که آخر چیزی بگو. مرد سرش را از زیر لحاف بیرون آورد و گفت: حالکته تالان تالانه، مدتومان هم زیر پالانه!

بازی گروگانگیری آمریکاییها در نهایت امر با تاراج نزدیک به سیصد میلیارد دلار ذخایر ارزی ایران خاتمه یافت. امروز همان رفت و آمدهای محرمانه و مذاکرات پشت پرده برای خاتمه دادن به داستان گروگانگیری فرانسویها بین تهران و پاریس جریان دارد و از قرار معلوم عمده مذاکرات در اطراف یک میلیارد دلار طلب ایران از "اورودیف" دور می زند.

در ایران، یک کلمه ازین قضا یا منعکس نمیشود. غوغای سینه زنی و روضه خوانی را برای آن نمی گذارند قطع شود که مردم ایران سرودهای حراج اموالشان را نشنوند و ندانند این هیأت های می که میروند و می آیند در چکارا رند و چگونه هست و نیست یک ملت در معرض معامله جا هل و عاقل قرار گرفته است. آنچه ما در باره مذاکرات جمهوری اسلامی و فرانسه می دانیم اطلاعاتی است که از لابیهای گزارش های مطبوعات فرانسه بدست می آید. اگر مطبوعات فرانسه، علی رغم پنهانکاری آکید دولتشان در قضا یای مربوط به ایران و آزادی گروگانهای فرانسوی، این چند سطر خبر را هم نمی نوشتند ما با دیدمی شستیم منتظر می ماندیم تا بعد از چند سال، وقتی آبها از آسیاب ریخته است، دست اندرکاران فعلی سیاست فرانسه در دوران باز نشستگی یا بیکساری

ایران هرگز نخواهد مرد

QYAM IRAN
C/O C.P.
17